

آه! امان از پیری. تا آدم با بسن نزاره قدر جوانی را نمیدونه. از شما چه پنهون باینکه سن مخلص هنوز بصدسال هم نرسیده کم کم داره آثار پیری درم پیدا میشه مثلا چشم از صد متری رنگ چیزهای کوچکو خوب تشخیص نمیده پیاده زیاد نمیتونم راه برم زود خوابم میگیزه مطالب مهممرا فراموش میکنم اما نمیدونم چه حسابی تو کاره که چیزهای جزئی را همیشه در نظر دارم و متصل میخوام ایراد بگیرم

همین هفته گذشته بود که روز بعد از ظهر تصمیم گرفتم از خونته بیرون پیام کمی قدم بزنم هنوز صد متری راه نرفته بودم دیدم دیگر تیغ نمیسره زانوام گیر نداره مجبور شدم روی سکوی دریك خونه نشستم همینطور در حالت تفکر مردم راتماشا میکردم که دو تا پسر بچه یکی بسن ۱۲ و دیگری ۱۳ ساله جلوم ایستاده با نهایت ادب سلام و احوال پرسی کردند. هرچه آنها را نگاه کردم دیدم من آنها را نیشناسم اما آنها مثل اینکه مرا خوب میشناسند. پرسیدم شماها کیستید و با من چکار دارید

یکی از آنها گفت، قربان من، داود و رفیقم امیر نام دارد هر دو عضو هیئت تئاترال ..... می باشیم چون در نظر داریم یکماه دیگر نمایش بدیم خواهش مندیم بلیط بخیرید.

گفتم عزیزانم من اون روزا که جزون هم بودم حوصله تیاتر رفتن نداشتم تاچه برسد حالا دیگه

- خیر این نمایش فوق العاده دیدنی است و حتماً باید تشریف بیاورید.  
- فرض اینکه دیدنی باشد من از کجا میدونم تا یکماه دیگر چه پیش آمده می‌کنه که از حالا بلیط بخرم شاید آتشکار داشتم

- آقا این نمایش واقعا تماشائی است و برای تهیه آن خیلی زحمت کشیده شده بلیط بخیرید اگر وقت نداشتید تشریف بیاورید.  
- عجب! این چه نمایش تماشائی است که شماها میخواهید بزور بلیطشو بفروشید.

در صورتی که می‌گن برای خریدن بلیط نمایش ها که دیدنی هم نیستن مردم دم بلیط خونه سرو دست میشکنن.  
یکمرتبه آن کوچکتز که تا این ساعت حرفی نمیزد مثل انار ترکید و بنای پر خاش را گذاشت.

- آره همین شماها بولد اراهستید که ملت را بیچاره کردید خودتون که یکقدم برای خیر و صلاح جامعه برنمیذارید ما هم هر وقت بفکر خدمت با اجتماع می افتمم جلو اقدامات مارا میگیرید عوض اینکه تشویق کنید مرتب آیه یأس میخوانید.  
- عزیزم عجله نکن آهسته حرف بزنی تا مقصودت را بفهمم تیارت در آوردن چه ربطی با خدمت اجتماع داره.

- به ما مشغولون که نمایش دادن نیست ما محصل کلاس پنجم ابتدائی هستیم بنفع خودمون که نمایش نمیدیم از عایدات آن میخواهیم يك کارخانه پارچه بافی برای ملت بخیریم تا کلیه بیکاره هارا که استطاعت کار دارن بکار بگماریم و از عایدات آن به کسانی که قادر بکار کردن نیستن کمک کنیم.

- به به فکر شمارا تقدیس میکنم. اما عزیزانم درست دقت کنید نقشه شماها بسیار بچه گانه است و با وسائلی که اکنون در دست دارید ابدأ عملی نمیشود - درست است که هر کسی باید یکمقدار از وقت خود را صرف خدمت با اجتماع بشناید لیکن اول بایستی دین خود را با اجتماع ادا کند بعداً کمرب خدمت ببندد اگر کسی وظیفه خویش را رها نمود بفکر خدمت بیافتد خیانتکار محسوب میشود

پدري که قادر نیست وسائل معاش خانواده و تربیت اطفال خود را فراهم نماید و بفکر اصلاح امور اجتماعی می افتد. معلمی که در کلاس حاضر نمیشود و شاگردان را بحال خویش میگذارد و وقت خود را صرف جمع نمودن اعانه برای فقرا میکند.  
طیبی که از معالجه بیماران خود عاجز است و در ساعات فراغت بجای مطالعات علمی و پیدا کردن راه بهتری برای مداوای بیماران خویش بفکر بهبود وضع اجتماع می افندد. . . . اینها را نمیتوان خادمین اجتماع نامید. من تصدیق میکنم اعمال کاری و

و درباره فلسفه های او نوشته شده است  
«نیتوان تشخیص داد که آیا فیلون است که مینویسد یا افلاطون است که صحبت می نماید» مهمترین موضوعی که جلب توجه دنیارا نموده و دنیارا بحیرت انداخته است آنکه باینکه فیلون ۵۴ سال بعد از تولد عیسی میزیسته و ناظر کلیه عملیات اسرائل ها و بکالوت رفتن اسرائل بوده و کتب عده ای راجع بتاریخ اسرائل و فلسفه زوال دولت اسرائل نوشته است هیچگونه ذکری در کتب خود از وجود عیسی یا بود و نبود یا عملیات اود در کتب خود ننموده است شرح حال عملیات ۵۰ ساله و نفوذ فیلون در عالم اسرائل و کتبی که نوشته و خدماتی که بمال یهود نموده است جداگانه تحت عنوان «بزرگان یهود را بشناسید» تشریح خواهد شد.

بهر جهت فیلون باقلبی پراز حسرت و با اینکه از خود کتب و یاد کاری گرا نیهائی بیادگار گذارده در سن ۸۳ سالگی دارقانی را وداع گفت. در موقع مردن گفت:

«حیف که فیلون ۳۰ سال قبل بدنیایمانم تا نگذارد اساس سلطنت یهود هتزلزل گردد.»

بی حسی افرادی از جامعه که میتوانند خدمات شایسته ای بنمایند و نکرده اند این هرج و مرج راراه انداخته و شماها را وادار کرده درس خود را هانوده دنبال این کارها بیافئید لیکن فراموش نکنید، وظیفه شماها کوشش در راه تحصیل علم است و اگر وقت بیشتری دارید سعی کنید شاگرد اول باشید تا این وسیله باعث افتخار ملت خود گردید.  
عمل شماها درست مثل میوه ایست که نارس چیده شود چنین میوه ای نه فقط قابل استفاده نیست بلکه از حیث وزن هم نا چیز است لیکن با اندکی صبر و تربیت صحیح از همان میوه نارس میتوان استفاده شایان نمود.  
فریاد دلخراش روزنامه فروش چنان در گوشم صدا کرد که از خواب پریدم. ساعت نگاه کردم تقریباً دو ساعت از شب میگذشت فوراً از جابر خواسته بطرف منزل روان گردیدم. در حالی که با خود میگویم هیچوقت نباید کنار کوچه بنشینم مبادا خواب مرا فرا گیرد و رفتن منزل دیر شود. قربان شما فضول باشی

# عالم پرورد

نشانی دفتر

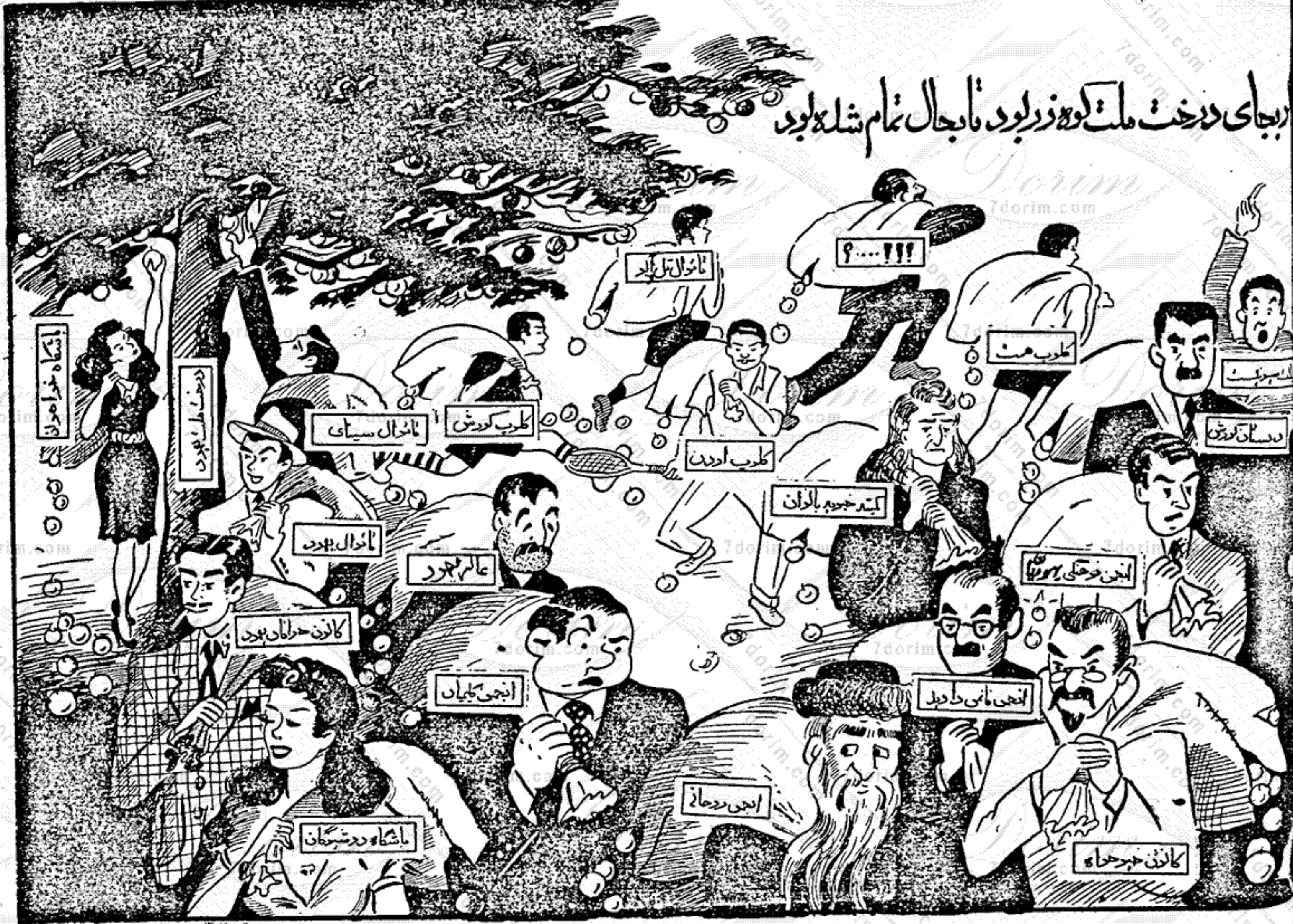
تهران

خیابان سپه مقابل پستخانه

عنوان تلگرافی

«ها عولام»

# بجای درخت ملت کوزه زرد بوی نام شله بوی



این کاریکاتور یکی از پاسخهای رسیده کاریکاتور قسمت ۳۲ میباشد.

رجوع شود بصفحه بعد

راجع به کاریکاتور شماره ۳۲ که بسابقه نداشته شده بود از تهران و شهرستانها جواب های مختلف رسیده و معمارا حل کرده اند برای نمونه نوشته سه نفر از شرکت کنندگان را چاپ میکنیم . یکی دیگر از خوانندگان جنبش عالم یهودیان ایران را بشرح يك ورقه کاریکاتور مجسم نموده که در پشت جلد ملاحظه میفرمائید مشارالیه جایزه را ربوده اند

عالم یهود

آقای مدیر محترم عالم یهود

در شماره ۳۲ عالم یهود کاریکاتوری بسیار عالی چاپ نموده بودید واقعا از مهارت عجیبی که دوست با ذوقتان در کشیدن آن بکار برده بود متحیر شدم و حقیقتا هم بهتر از این نمیشد وضعیت فعلی جامعه اسرائیل ایران را مجسم نمود . هرچند میخواستم دندان روی جگر گذاشته وجوابی بآن ندهم ولی اکنون فریضه وجدانی و احساسات شدید قلبی مرا وادار می کند که سکوت را بیش از این جایز ندانسته و بنوبه خود قرضم را ادا نمایم .

این کاریکاتور بیکر نحیف و مریض جامعه اسرائیل ایران را نشان میدهد که بحال بدی افتاده و رمقی در چنان ندارد و هرآن بحران مزاجیش شدیدتر میشود و اگر طبیب حادثی بفوریت بیالین او نیاید قطعاً دست از جهان خواهد شست .

از یکطرف بیچاره بحال نزار افتاده و نفس نفس میزند و از طرف دیگر یگمه بنام انجمن ها و باشگاههای محلی که تعداد آنها متأسفانه فقط در تهران بیش از ۳۵ است و از عالم پزشکی جز حجامت چیز دیگری سرشان نمیشود بهزار وسیله متشبث میشوند تا خون باقیمانده را از بدن او کشیده و نقله کنند یکی بفکر صدارت و امسارت و دیگری بشکر ملا خود و سومی بفکر ...

آیا اینان پیش وجدان خود هیچ شرمنده نیستند و نمی دانند که نباید مردم را از هر طرف بچاپندو کسی هم نفهمد که این خون چرا نقله میشود چرا بحال نزار این بیکر نحیف رحم نمیکنند . نگارنده عقیده دارد که آیا بهتر نیست که این دکترهای تازه بدوران رسیده همگی و متفقاً گرد پیر جهان دیده و معجز بحکیم صندوق ملی! که هرچه باشد در این دار دنیا يك پیراهن بیش از آنها پاره کرده جمع شده و جمعاً چاره ای بدارد این بیچاره بنمایند ...

( اندیشه و شفا )

راستی چه منظره غم انگیزی است ! بیماری نحیف و ناتوان با تن بزمرد خویشتن دراز کشیده و پزشکانی چند با وقار و جدیت فراوان وی را نظاره میکنند هر یک از پزشکان آمپولی بدست گرفته اند گروهی در حالت تزریق و باره ای در اندیشه آند

چه باید کرد ؟

مریض کی است ؟ و پزشکان چه کسانی هستند ؟

مریض جامعه کلیدیان تهران و وضعیت آشفته ایشان است . پزشکان انجمنهای خیریه و باشگاههای ورزشی و بهداشتی و مجامع فرهنگی و دینی و اخلاقی و هیئتهای تاترال وغیره میباشد که در قسمت ۳۱ همین کتاب مفید و اجتماعی تحت عنوان مصاحبه رك گو و فضولباشی مندرج است . آنچه بر این صحیفه نقش بستم اختصاری از اندیشه من در پیرامون موضوع فوق میباشد .

آری بیمار را پزشك باید تا برای شفا و بهبودیش بکوشد اما چه بهتر از آنست که در آسایشگاه اجتماع پزشکان اجتماعی و خیر اندیش افکار خدا پسندانه و زبینه خود را که بمثابة آمبول شفا و علاج بخش است بامشورت و تبادل افکار یکدیگر به بیکره اجتماع تزریق فرمایند و در این حقیقت بارز شکی نتوان داشت که : مشورت ادراك و هشیاری دهد عقلها مرعقل را یاری دهد حضرت سلیمان حکیم، شاه و بینمیر عادل و هوشیار ما نیز در نصایح جاودانی خویش بدین قسمت اشارتی فرموده آنجا که میگوید ( هرچه مشورت و تعقل افزون گردد عقل و درایت را افزاید و یکمال رساند ) اکنون نگارنده این سطور امیدوار است که کلیه محافل اسرائیل تهران که همگی منظور و هدف مشترکی دارند بیکدیگر نزدیکتر شوند و با آمبول اندیشه رسا و قوی مریض جامعه کلیدیان تهران را شفا و علاج بخشند .

اصفهان - مخلص ابراهیمی

مدیر محترم نشریه عالم یهود کاریکاتور نامبرده که نمونه ذوق و سلیقه کارکنان آن مجله میباشد . اوضاع اسف آور ما اسرائیل های تهران را نشان میدهد .

شخص خوابیده جامعه اسرائیل تهران میباشد که احتیاج مبرم بمعالجه دارد ولی متأسفانه بجای آنکه دو یا سه طبیب حاذق بمعالجه او پردازند عده کثیری طبیب بدون اطلاع و جاه طلب ( انجمنهای مختلفه ) دور او را گرفته و هر يك بنحوی خوب او را میکشند .

آری اسرائیل تهران بجای داشتن يك انجمن مرکزی صحیح که عنان امور اجتماعی ما را تحت قدرت و اختیار خود گیرد و سایر انجمن ها و مجامع را تحت شعاع خود سازد، و وجوه حاصله را در محلی بنام صندوق ملی تمر کرده، و از روی تجربه و دانش و فکر خوب آنرا بمصرف حقیقی برساند . و اوضاع آشفته و درهم مارا مرتب و هزاران درد بیسدرمان ما را مداوا نماید متأسفانه دارای بیش از ۳۵ انجمن ( که در این کاریکاتور فقط نوزده انجمن آن رسم شده است ) باشکال و انواع و مرام های مختلفه مخالف هم میباشد که هر يك مانند زالو به بدن ضعیف این ملت بیچاره افتاده و هر يك بنحوی خون آنرا با سرنگ میکشند .

ولی آیا بهترینست که این انجمنها و مجامع و باشکال های مختلفه تحت نظر انجمنی بنام انجمن مرکزی قرار گرفته و تمام وجوهی که از این ملت نحیف و نجیب بعنوان مختلفه گرفته میشود و معلوم نیست بچه مصرف میرسد در صندوق مرکزی بنام صندوق ملی جمع شده و بمصرف حقیقی خود برسد ؟ روین - ملامد

ماملت ایران را عبارت از ساکنین حوزه جغرافیائی ایران میشناسیم و هرگز بین طبقات بجهت اختلاف مذهب تفاوتی قائل نیستیم و پای بند عقایدی هستیم که بقلم ( آقای سرگردان ) در عالم یهود چاپ شده ولی از آنجائیکه مطلب مورد بحث بصورت بحث و انتقاد مطرح گردیده عین مقاله آقای فرهنگ ریمن را که در حقیقت بوکالت از حزب ایران نوشته شده ذیلا چاپ میکنیم تا شماره بعد جواب از سرگردان بشنویم .

توهین و سپیاشی - یا بحث و انتقاد

بقلم : فرهنگ ریمن

حزب چیست ؟

شما برای حزب این تعریف را قائل شده اید که : «حزب عبارت از اجتماع يك یا چند طبقه از طبقات مشترك المنافع يك کشور بمنظور نفع مشترك سیاسی و تشکیل جبهه متحد در مقابل احزاب دیگر» و گمان میکنم همین تعریف بخوبی پاسخ عنوان «مجالس انس خصوصی»! که برای حزب ایران قائل شده و اظهار عقیده نموده اید که : «حزب ایران اصولاً حافظ منافع طبقه یا طبقات مشخص از افراد کشور نیست و چون فاقد این خاصیت است البته حزب سیاسی نمی تواند باشد»!

اگر مقصود شما لفاظی و تئوری بافی است که من از همین جا باشاعر ضعیف ندارم شادانند و خدای خود هر نامی میخواهد بروی حزب ایران ، که گناهی جز اتکاء به ملت ایران ندارد ، بگذارد دمکراسی است و عقیده آزاد شما هم در عقیده ای که بنا بر طرز تشخیص و عمل قوه میزبه و در آنکه خود اتخاذ نموده اید آزاد و مختارید اما ؟

اما اگر از نظر علمی و روی نتیجه و در عالم حقیقت میخواهید قضاوت کنید اینکه حزب ایران را در ردیف «مجالس انس خصوصی»! شمرده و منکر جنبه سیاسی آن شده اید اگر نگوییم توهین و سبب پاشی بوده است باید اعتراف کنید که بی انصافی نموده اید .

مگر نه آنکه میفرمائید حزب «اجتماع يك یا چند طبقه از طبقات مشترك المنافع يك کشور بمنظور نفع مشترك سیاسی و تشکیل جبهه متحد در مقابل احزاب دیگر» است ؟ بسیار خوب !

شما يك حزب را از نظر عقیده سیاسی و نظریات اقتصادی از روی مرام آن می شناسید یا آئین نامه ها و اساسنامه آن ؟ البته از روی مرام هر حزبی باید بی باهیت آن برید و باز هم صرف مرام بدون عمل کافی نیست . بلکه باید به بیند آیا اعمال و روش آن حزب با آنچه که در مرام خود نوشته است مطابقت دارد یا نه ؟ ممکنست حزبی در مرامنامه خود بنویسد «حفظ استقلال کشور» کما اینکه همه احزاب ایران این جمله را در مرام خود ذکر و قید

رفیق و همقلم ارجمندم آقای «سرگردان» در شماره اخیر «عالم یهود» تحت عنوان «حزب سیاسی و منهب» بجزب ایران که من نیز اقتضای عضویت آنرا دارم ، حمله ور گردیده و در لباس «بحث و انتقاد» آنرا مورد اهانت قرار داده است و این طرز انتقاد موجب تأثر و تعجب من گردید و از اینرو هر چند که مجله «عالم یهود» در بین مسلمانان کمتر خواننده دارد ولی برای آنکه مندرجات مقاله «سرگردان» در اذهان هم میهنان یهودی ماشبهائی نسبت بجزب ایران ایجاد نکند لازم دانستم که بعنوان گله از این روش انتقاد پاسخی بایشان بدم .

آقای سرگردان ! همقلم ارجمندم !

نیخواهم از نام مستعاریکه برای خود برگزیده اید استفاده کنم و بگویم سرگردانی شما ، که بقول خودتان «ادامه دارد» .

در افکار و تراوشهای قلم شیرین و موشکاف شما نیز اثر بخشیده است زیر من میخواهم انتقاد را بمعنی حقیقی بنامم و خود شما نمونه ای از این طرز «بحث و انتقاد» مرا در شماره های پیشین «عالم یهود» مشاهده فرمودید ولی میخواهم بگویم که شما در نوشته خود تحت تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم عواملی قرار گرفته اید که امروز باشدت تمام علیه احزاب ملی مشغول فعالیت است تا بلکه بتواند عامل «نیروی ملی» را بعد فنا و نابودی تضعیف سازد و نشان دهد که در ایران مظهری از «ملیت» وجود ندارد و ایرانیان فاقد حس میهن پرستی می باشند تا بدینوسیله و در سایه اینگونه تبلیغات شوم بتوانند منافع خاص خود را تأمین نمایند .

کرده اند ولی در عمل پارمئی از آنان علناً سنك مصالح و منافع یگانگان را بسینه زده و عملاً از آنان طرفداری و پیروی کرده اند که البته منافی مصالح و استقلال ایراست . بنابراین درباره يك حزب از روی مرام و اعمال آن باید قضاوت نمود نه اساسنامه آن .

اگر مرام حزب ایران را مطالعه میفرمودید و پیش اعمال و تظاهرات دوساله آنرا مورد دقت و بررسی قرار میدادید .

( البته این عمل برای قضاوت و «بحث و انتقاد» شما لازم و واجب بوده است ) آنوقت بی میردید که حزب ایران يك حزب سیاسی و ملی بمعنی حقیقی است نه مجلس انس و من متأسفم از اینکه شما بی مطالعه و فقط روی يك جمله آنهم از اساسنامه حزب بقضاوت پرداخته و بخود اجازه داده اید که بوطن پرست ترین ، آزاد بخواه ترین و بهترین فرزندان و جوانان این کشور اهانت روا دارید . که چه ؟ که گفته اند کسانی میتوانند

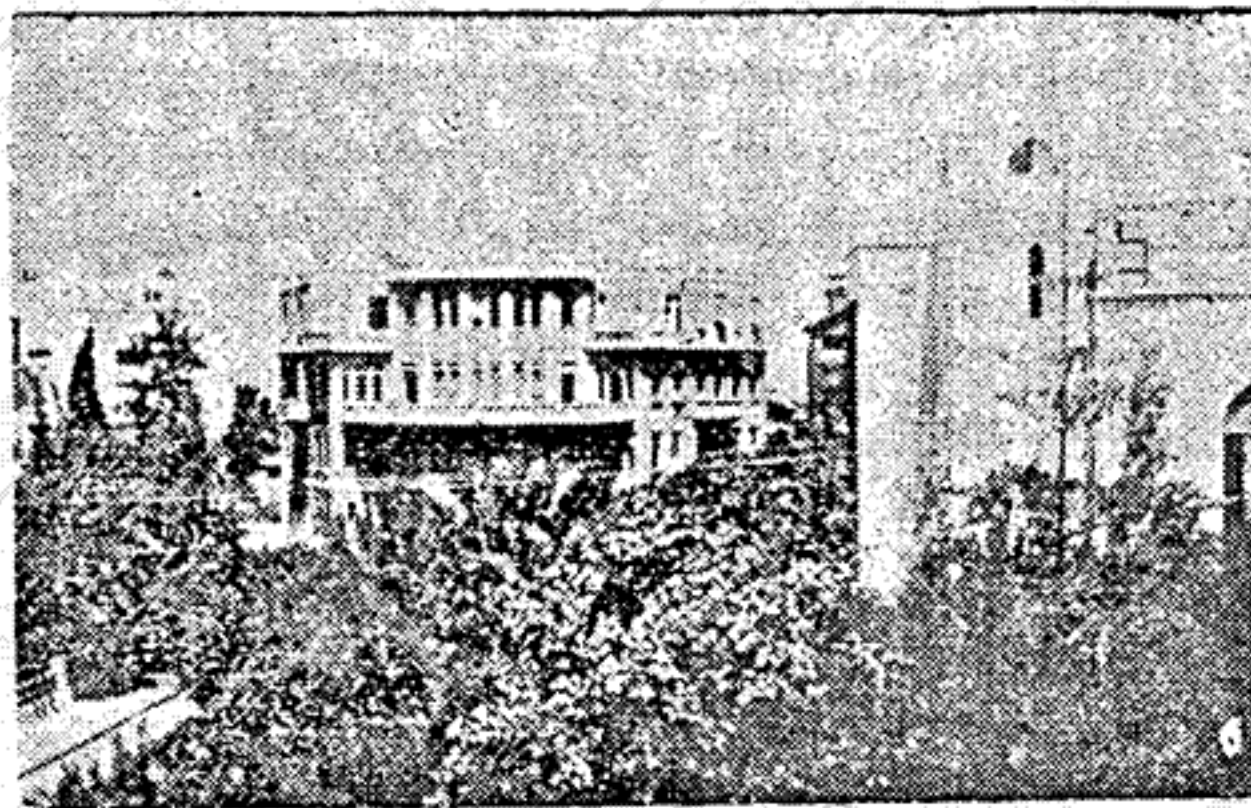
با ما همکاری کنند و باتفاق ما برای نجات ایران از این مفساد قیام نمایند که مورد اطمینان ما باشند و بدیهی است کسانی مورد اطمینان ما هستند که ما آنرا بشناسیم و بروجه و طرز فکر و مخصوصاً مبهن دوستی و ملت پرستی ایشان آگاهی داشته باشیم . افراد اولیه و مؤسس حزب ایران چون با ایرانیان غیر مسلمان آشنائی نداشته برای آنکه بتوانند در قبول اعضاء کنترل دقیق بکار برند و پیر عنصر مشکوکی اجازه ورود بجزب را ندهند تا گزیر شدند که محدودیت هائی برای قبول عضو قائل شوند و این محدودیت ابداً لطمه ای باساق عقاید و اصولی

# پیروزی یهودیان

## تل آویو یا شهر جدیدی که برشهای ساحلی آباد شده است

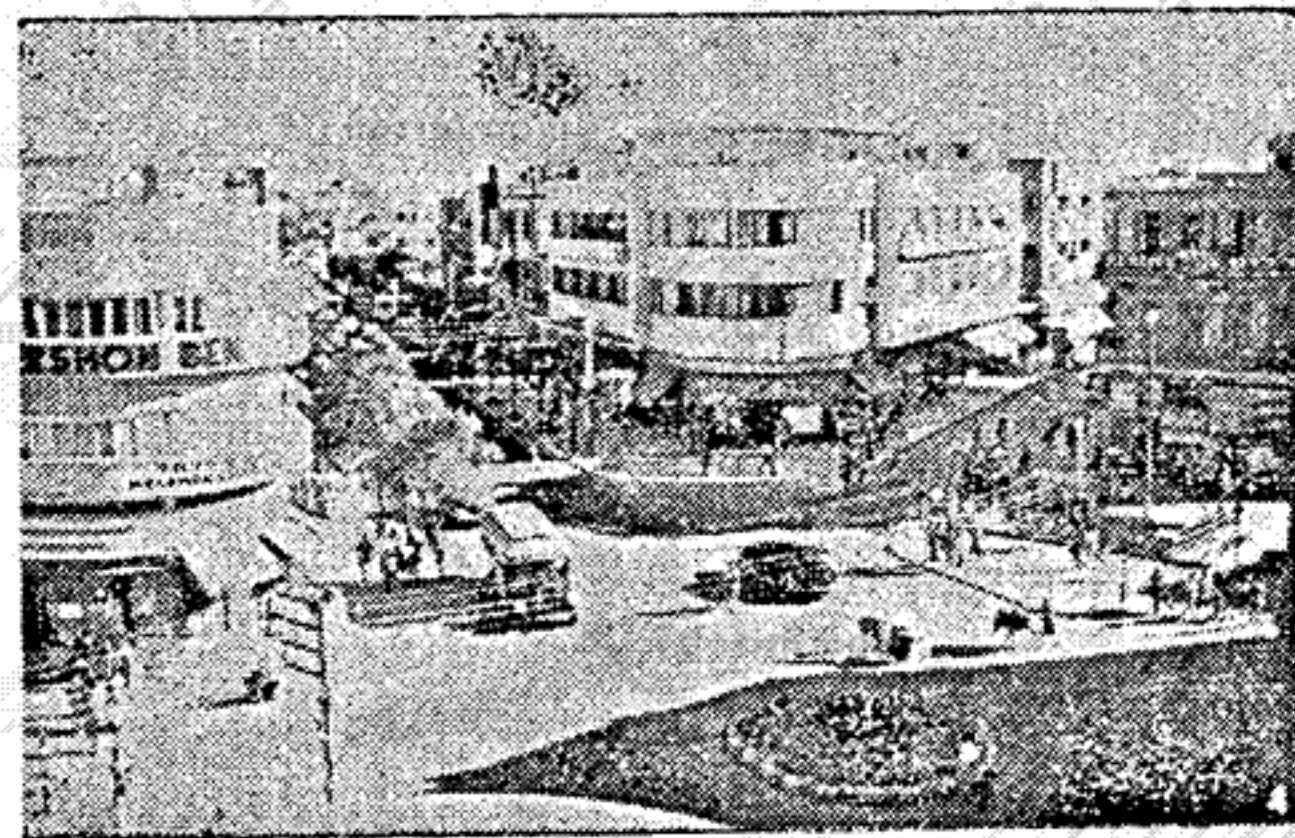
دستگاه توربین عظیمش که میتواند ۳۲/۰۰۰ قوه اسب برق تولید نماید از تأسیسات یهودیان میباشد .  
در حیفا یهودیان اقدام بایجاد صنایع خیلی مهمی از قبیل کارخانه

تل آویو شهر تمام یهودی فلسطین است و روی همین اصل یهودیان فلسطین سعی میکنند هر قطعه ای را که دسترسی یدامینایندمثل تل آویو آباد سازند .  
امروز در آنکشور جمعیت یهودیان به ۵۶۰/۰۰۰ نفر میرسد ولی اعراب از یکمیلیون هم متجاوزندو علاوه بر این دو ملت عدهای هم مسیحی در شهرهای مختلفه پراکنده هستند .



های آرد وصابون و سنت و سیکارت و پارچه بافی و غیره نموده اند و کالج فنی که از طرف یهودیان برای آموزش جوانان اسرائیل ساخته شده یگانه مؤسسه نوع خود در فلسطین میباشد .

اغلب بلکه تمام دهات مدرن (کیبوس) فلسطین متعلق به یهودیان میباشد ۲۸۰ مؤسسه کشاورزی و کلنی و غیره در آنکشور موجود است

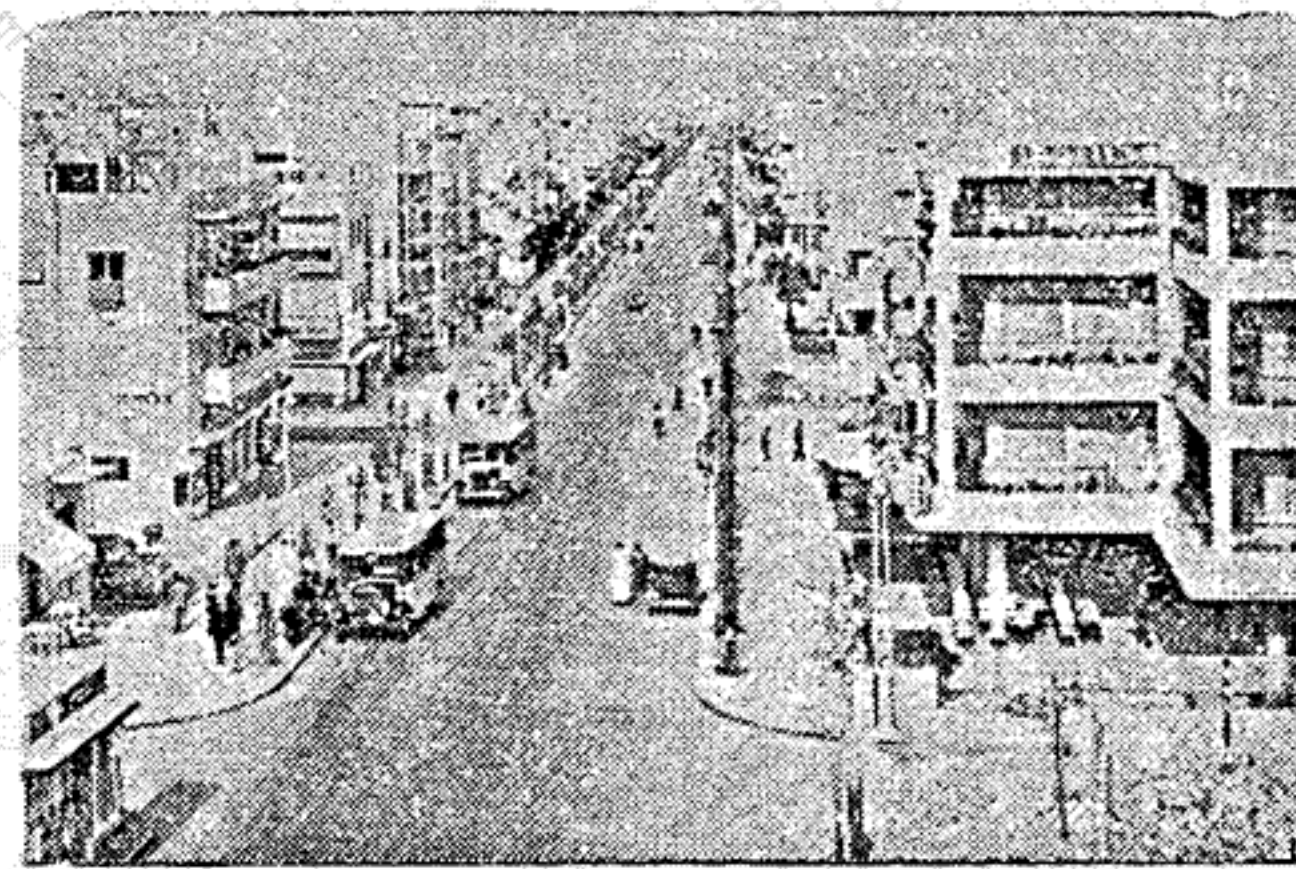


که ۷۵۰۰۰ نفر یهودی در آنجاها کار میکنند و این مؤسسات اغلب بین سر زمین (دان) و (بزشیح) واقعند که قسمت اعظم آنها در دره اشقلون و (عق هکابل) بنا گردیده است .

این بنگاههای کشاورزی از بهترین مؤسسات نوع خود در جهان میباشندو یهودیان نشان داده اند که چگونه میتوانند از تپه های سنگلاخ سر زمین اجدادی خود همه نوع محصولی از مرکبات گرفته تا غلات بیرون آورند .

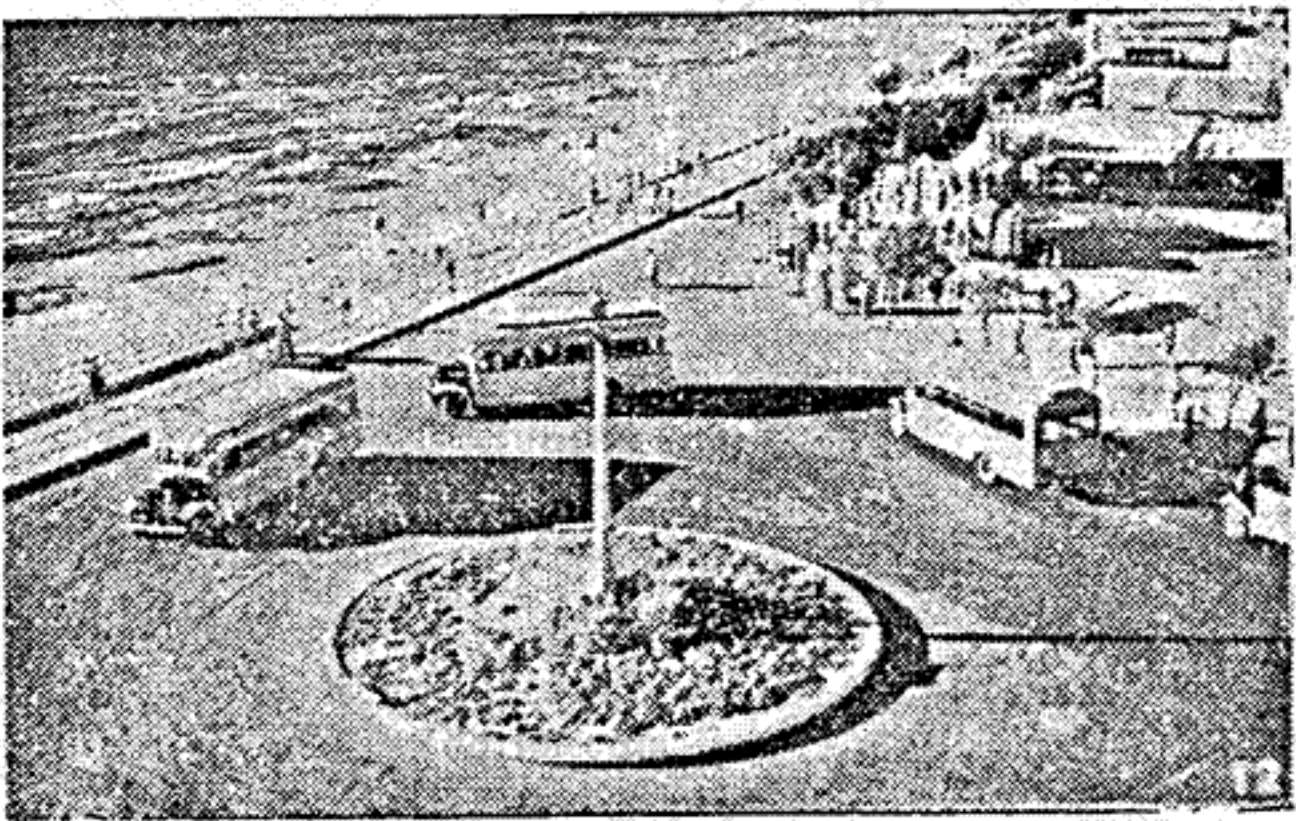
البته تمام هنرنمایی یهودیان در سر تا سر فلسطین یکطرف و در تل آویو یکطرف ۰۰۰۰ این بندر پررگترین شهر فلسطین است که

بقیه در صفحه ۶۲۳



حقیقتاً مابه تعجب و حیرت است که یهودیان از روزی که دولت قیم بایشان اجازه داد در آن سر زمین مقدس خانه ملی خود را آباد نمایند چه جانفشانهائی کرده و چگونه آنجا را معمور ساختند .

اورشلیم که در سابق زیارتگاهی یش نبود بر اثر مساعی یهودیان مبدل بشهر زنده و با نشاطی شده و مرکز تجارت و صنعت گردیده است دانشگاه عبری که روی کوه اسکویوس آباد گردیده نخستین اونیورسیتیه ای است که در آنکشور مقدس ساخته شده است .



بجر البت که جز نابه غم انگیز و خطرناک چیز دیگری نبود فلذا در نتیجه اقدامات یهودیان روبه آبادی میروند و از نمکهای آن هر هفته ای دوست تن برای حاصلخیز کردن زمینهای فلسطین و همچنین استفاده های دوائی و غیره استخراج میکنند .

کارخانه هیدرو الکتریک واقع در ساحل اردن با آن چهار

تجاوز و تعرض به آزادی دیگر ملل را بخودگرفت و صلح دنیا را دچار خطر ساخت .

هر دولت وملتیی نیز که با آزادی و استقلال دیگر حمله برد و بخواهد بملتی ضعیفتر از خود زور بگوید و مقاصد خود را بر آن تحمیل کند در قاموس ملل متفق (فاشیست) خوانده میشود کما اینکه باوجود فقدان احساسات ضدیهودی و افکار «ناسیونال سوسیالیستی» در زبان دولت زاین رنگ «فاشیستی» بخود گرفت زیرا به آزادی و استقلال دیگر ملل از جمله «چین» تجاوز نمود اگر حقیقت را بخواهید حزب نازی آلمان نه (سوسیالیست) بود و نه (ناسیونالیست) حقیقی زیرا همه میدانند که آن حزب بکمک سرمایه داران و یونکرهای آلمان کسب قدرت نمود و چنین حزبی سوسیالیست نمیتواند باشد و نیز بطوریکه میدانیم دستگاه «هیتلر» در سایه حمایت و اعمال سیاست «ضدشوروی» دولت انگلیس آنچه اقتدار بهرسانید و البته حزبی که چنین دستگاهی را بکمک یکاننگان بروی کار آورد نمیتواند نام «ملی» و جنبه «ناسیونالیستی» بخود گیرد

اگر حزب ایران «ناسیونال سوسیالیست» است از اینروست که حزبی است ایرانی و آزادیخواه ممنوعیت ورود یهودیان و ارامنه نیز بجزب مزبور مبتنی بر اصل «ملیت» و میهن پرستی حزب است زیرا حزب ایران عقیده دارد که جامعه یهودیان و ارامنه ایران باین اصول ملیت نیستند . ارامنه ایران اغلب چشم امید بسوی ارمنستان دوخته اند کما اینکه چند سال پیش نیز چنین تظاهراتی از طرف پاره ئی از آنان رویداد . یهودیان نیز بیشتر هدف اقتصادی داشته و با اصول سرمایه داری بیشتر سر و کار دارند تا اصول سوسیالیستی و بعقیده سوسیالیستی از دریچه چشم «اتر ناسیونالیسم» میگردند

جامعه یهودیان ایران تا کنون خدمتی بایران ننموده اند و جز گردآوری سرمایه بهر وسیله که باشد کار دیگری در این کشور انجام نداده اند . برای آنکه ثابت شود نظر افراد حزب ایران در مورد یهودیان و ارامنه از نظر اصول «ملیت» صائب بوده است باید عرض کنم هنگامی که مأمورین نیروی انگلیس در پائیز سال ۳۲۰ از راه آهن را اشغال کردند و احتیاج با استخدام عدهئی مترجم داشتند کارمندان مورد نیاز خود را از بین ارامنه و یهودیان و ایرانیان غیر مسلمان استخدامی کردند و این بهترین دلیل بر اینست که این دو دسته یابند با اصول ملیت نیستند و گر نه نمیتوانستند تا این اندازه مورد اطمینان یگانگان واقع شوند .

در وقایع شهریور که نیروهای شوروی بصورت «مهاجم» وارد تبریز میشدند و اهالی در نتیجه تبلیغات ضد شوروی بیست ساله از ترس فرار میکردند ارامنه بادسته های گل پیشواش نیروی شوروی که در آن هنگام برای ملت ایران مهاجم شناخته می شد می شتافتند .

من پیش ازین وقت شما و خوانندگان شماراتلف ننیکم و همینقدر باید بگویم حزب ایران امروز یک حزب مشکل، آزادیخواه و ملی است و این حقیقت مورد قبول عموم ایرانیان است .

بقیه در صفحه ۶۱۵

که معرف یک حزبست نخواهد زد که مستوجب چنین اهانتی از طرف شما باشد .  
حزب ایران ، اگر آنرا حزب بشناسید ، برای تأمین سعادت مردم ایران تأسیس شد و بوجود آمد و از هیچ حزب خارجی دیگر مرام و ایدئولوژی و تاکتیک و روش خود را تقلید نکرده است و عقاید و مرام آن بر روی دو اصل مهم آزادیخواهی و وطن پرستی متکی است .

حزب ایران حزبی است صد درصد «آزادیخواه» و مخالف ظلم و یداد ، ستگری و استبداد ، جهل و فقر و فساد و ارتجاع و استثمار و نیز حزبی است صد درصد «ملی» و مخالف استثمار و یگانه پرستی و اتکاء به یگانگان و استفاده از نفوذ آنان و بنابراین حزب ایران تأمین سعادت مردم ایران و استقرار آزادی در ایران را بادت اراده ، نیرو و فکر ملت ایران و ایرانیان آزادیخواه و وطن پرست خواهانست حزب ایران تا کنون در راه این مقصود و نیل باین هدف سعادت اثر و آزادی بخش با وجود فقدان وسائل مادی و عدم اتکاء بهیچ مقام داخلی و خارجی باتمام قوا مبارزه پرداخته و از منافع خاص ایران دفاع کرده است هنوز هم بنظر شما یک حزب سیاسی متشکل از یک طبقه مشترک المنافع نیست ؟ شما تقصیر ندارید آنروز که زمزمه وا گذاری امتیاز نفت بشوروی شنیده میشد و عدهئی روی طرفداری از سیاست شوروی جدا با آن موافقت میکردند و پاره ئی برای حفظ منافع اربابان انگلیسی خود با آن مخالفت میورزیدند حزب ایران فقط و فقط برای پیروی از اراده ملت حقیقی ایران و دفاع از منافع خاص ایران با واگذاری امتیاز مخالفت نمود و از اینکه مغرضین وصله «انگلو فیلی» بدان چسباندند هراسی بخود راه نداد .

آنروز هم که مرتجعین و دشمنان آزادی ایرانی برای انهدام آزادی و دموکراسی ظاهری و تهیه مقدمات استقرار دیکتاتوری و تجزیه ایران حکومت تنگین «صدرالاشراف» را بروی کار آوردند دوست فوق روی نظریات غیرملی با آن شدیداً مخالفت و موافقت مینمودند حزب ایران بنام آزادیخواهی و برای ریشه کن ساختن درخت فساد علیه کابینه تنگین صدر و اکثریت خائن و مرتجع و فاسد مجلس چهاردهم مبارزه پرداخت و در این مبارزه ملی آزادیخواهانه نقش اصلی را بعهده گرفت و از محرومیت هائی که بوی تحمیل شد تزلزل بخود راه نداد و از اینکه وصله «روسوفیلی» بدان چسباندند هراسناک نگردید زیرا در هر دو حال ثابت شده :

### حزب ایران یعنی حزب ملت ایران

امروز هم که حزب ایران بنام یک حزب ملی و آزادیخواه معرفی شده و بقول فرنگیها واجد دو جنبه «سوسیالیستی» و «ناسیونالیستی» است همان مغرضین یگانه پرست از ترکیب ایندو عنوان حزب ایران را یک حزب «فاشیست» معرفی میکنند و دلیل خود را جنبه «ناسیونال سوسیالیستی» آن و ممنوعیتی که برای قبول یهودیان و ارامنه قائل شده است میدانند و حال اگر بفرض مجال هم حزب ایران دارای احساسات و تمایلات شدید ضد یهودی باشد نمیتوان آنرا «فاشیست» خواند زیرا فاشیسم از این نظر مطرود و منفور گردیده است که قیافه

### پیشنهادات کمیسیون تحقیق مسئله فلسطین

و واکنش ملت اسرائیل در برابر آن  
لندن - (بالکور) یکی از مطلعین آژانس یهود لندن در اطراف پیشنهادات کمیسیون تحقیق مسئله فلسطین اظهارات زیرین را نموده است.

- ۱- ملت اسرائیل با کمال مسرت دو پیشنهاد کمیسیون را دایر به مهاجرت فوری یکصد هزار یهودی از بازداشتگاه های آلمان و اطیش فلسطین که مستر ترومن هم در ماه اوت گذشته بر اثر مطالعه گزارش فراریان یهودی آلمان آنرا تسجیل کرده بود و از این حیث ملت یهود از او تشکر مینماید خواهد پذیرفت
- ۲- الغای مقررات راجع به بستگلات که از طرف کمیسیون

پیشنهاد شده ولی حزب کارگر شدیداً آنرا انتقاد کرده است.

- ۳- آژانس یهود با پیشنهادات مربوط به حفظ حقوق اسلام و یهود و مسیحی و دفاع از حقوق مذهبی اهالی و توسعه اقتصادی کشور و بالا آوردن سطح زندگی عمومی موافقت نام دارد.

۴- از سایر پیشنهادات معلوم میشود که اعضای کمیسیون فرصت مطالعه عمیق قضایا را نداشته اند.

- ۵- کمیسیون تصدیق کرده که هیچ کشور دیگری در جهان نیست که بتواند شکجه شدگان زیر دست نازی هارا پذیرفته و آنها را در خود جای دهد و ضمناً تأیید نموده که قسمت اعظم فراریان میلشان فقط عزیمت به فلسطین است و بالاخره اظهار داشته که مهاجرت صد هزار یهودی مسئله فراریان را حل نمینماید و متأسفانه کمیسیون هیچ نتیجه منطقی از مشاهدات خود اخذ ننموده است.

۶- نظر باینکه اختیارات کمیسیون محدود مسئله فراریان یهود و موضوع فلسطین بود باین جهت دیگر توجهی بقضیه کانون ملی یهود و تأسیس میهن برای یهودیان ننموده است اعلامیه بالفور این مسئله را حل میکرد در حقیقت هیچ وقت امکان ندارد که قضیه یهودیان در جهان جز با تشکیل دولت یهودی حل شود فقط تأسیس چنین کشوری است که بهر یهودی حق مهاجرت به فلسطین را میدهد.

اورشلیم - انتشار گزارش کمیسیون تحقیق مسئله فلسطین در مطبوعات اسرائیل مورد تفسیرات زیادی قرار گرفته است مثلاً روزنامه داوار در سرمقاله خود مینویسد:

« نطق مستر اتلی اعماق قلب او را فاش میسازد یعنی که برای فرار از انجام این تعهد متمسک به بهانه « خلع سلاح

### مهاجرت یهودیان از فلسطین

یهودیان « شده حال اینکه قبل از تشکیل این کمیسیون خودش از وجود « ارتشهای سری یهودیان » اطلاع داشت و اگر این را نمیخواهد بهانه قرار دهد میتواند در همان موقع دستور انحلال این ارتشها را بدهد از طرف دیگر پیشنهادات کمیسیون هیچ ربطی بین مهاجرت ۱۰۰ هزار یهودی و ( انحلال ارتشهای سری ) قائل نشده است.

پس از اینرو معلوم میشود که مستر اتلی میخواهد بهانه ای بدست آورده « پیشنهادات کمیسیون را خنثی نماید » سپس روزنامه (داوار) مستر اتلی را مسخره کرده و مینویسد « چون مستر اتلی همین تقاضا را از اعراب کرده و تهدیدشان نموده باینکه اگر ایشان هم خلع سلاح نشوند نخواهند گذاشت که ۱۰۰ هزار یهودی وارد فلسطین شوند باینجهت شکی نیست که اعراب با کمال میل هر چه اسلحه داشته باشند فوراً برده و تسلیم مقامات دولتی خواهند نمود.

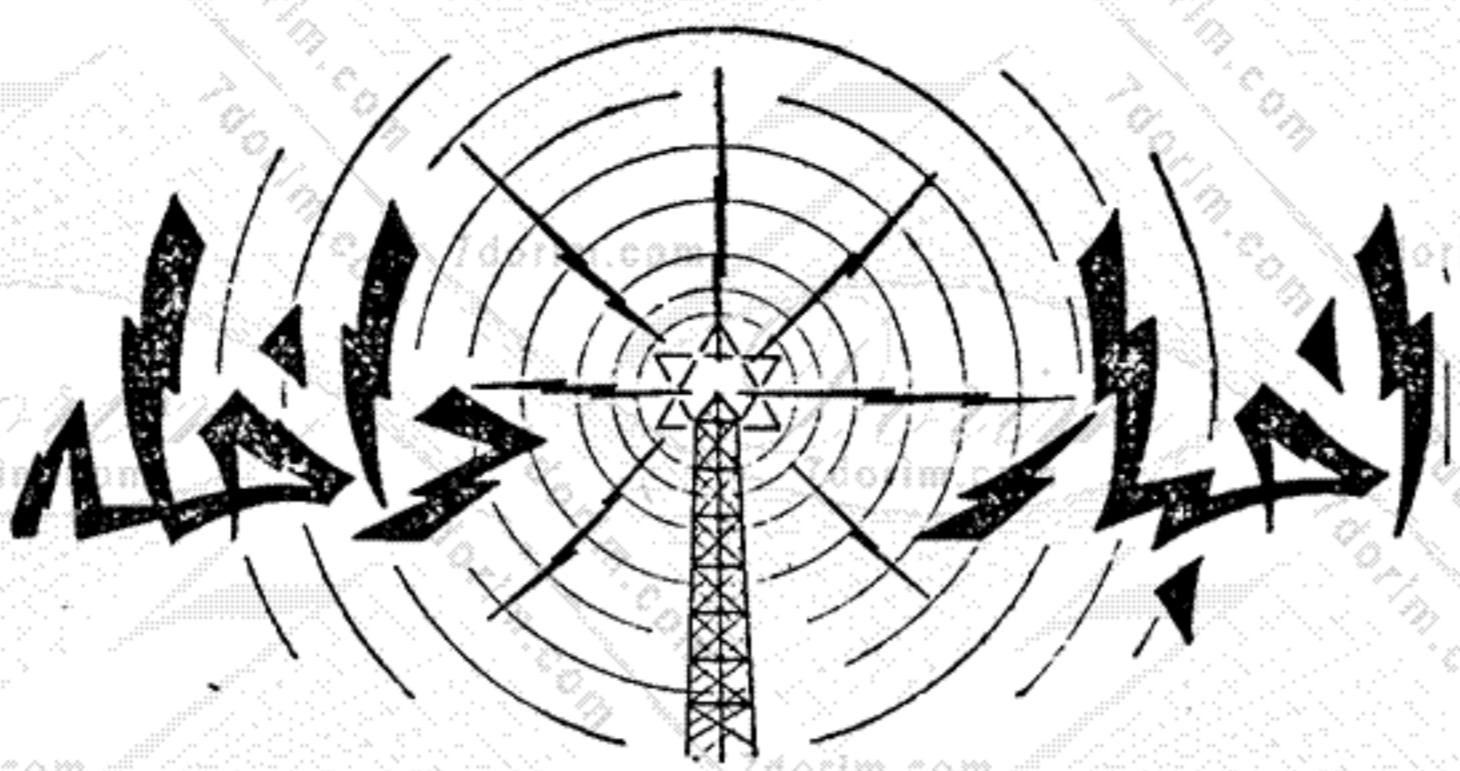
بعد میافزاید « آیا ممکن است در چنین موقعی که اعراب و یهودیان هر دو عصبانی هستند یهودیان یعنی اقلیت را خلع سلاح نموده و آنها را در مقابل اکثریت دو برابری بدون اسلحه گذاشت آیا یهودیان وقایع خونین ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ و ۱۹۳۹ را فراموش کرده اند؟ »

### واکنش اعراب در مقابل پیشنهادات کمیسیون

هنوز هم اتحادیه اعراب نسبت باین پیشنهادات رسماً اظهار نموده است فقط اعظم پاشا منشی اتحادیه بخبرنگار روزنامه البلاغ گفته که « حتی صیونستهای امریکا هم نمیتوانستند گزارشی بهتر از این تهیه نمایند » و ضمناً افزوده که « ما باتمام قوا علیه این پیشنهادات مبارزه خواهیم نمود ».

در فلسطین اعراب تصمیم با عصبانیت عمومی گرفته اند و کمیته عالی عرب از کشورهای مجاور هم تقاضا کرده که باین اعتصاب بیبوندند و باین ترتیب از حق اعراب فلسطین دفاع نمایند تلگرافاتی هم بامریکا و انگلیس مخابره و درخواست نموده اند که هر چه زودتر آزادی اعراب در فلسطین اعلام گردد مطبوعات عرب فلسطین اسرائیلها را تهدید کرده اند.

روزنامه (الدفاع) مینویسد که مسلمانین گزارش بر اثر اطاعت دمو کراسهای بزرگ از نفوذ و پول یهودیان تهیه شده است « و روزنامه « فلسطین مینکارد که عکس العمل اعراب نسبت باین گزارش مربوط بقبول بارد آن از طرف دولت انگلیس است و رؤسای عرب باید از موقع استفاده کرده و بوعده های خود وفا کنند ».



### اتحادیه جهانی مکابی

تهران - اتحادیه ورزشی جهانی مکابی از باشگاه ورزشی مکابی تهران تلگرافاً تقاضا نموده است که نماینده خود را برای حضور در اولین اجتماع ورزشی بعد از جنگ که در تل آویو در روزهای اول اوت ۱۹۴۶ منعقد خواهد شد معرفی نمایند این اجتماع مصادف با تشکیل کنگره جهانی صیونیت در آنجمل میاشد و منظور از این اجتماع شرکت در مسابقات ورزشی الیک جهانی میاشد.

### فیلم ترقیات فلسطین

تهران - شب یکشنبه ۲۸ اردیبهشت فیلم ترقیات فلسطین از طرف سوختوت بمنفعت آوارگان یهود در سالن سینمای تهران داده شد تمام بلیطها قبلاً برای دوسانس فروش رفته بود و استقبال شایانی در این فیلم شد بطوریکه کمتر سابقه داشته است.

### گزارش هیئت تاترال سینیای

برای آگهی عموم بیلان نایشات اثر تربیت و خشیارشا را در اسفند ۲۴ اعلام میدارد « اثر تربیت » بنفع کنسوا و کودکستان دروازه شمیران کلیه فروش بلیط تحت نظر آقای یعقوب بینا ۱۸۴۵۷ ریال کلیه مخارج (بدون کرایه سالن) توسط آقای اسمعیل نی داود با نظارت آقای عزیزالله روبین ۹۶۸۲ ریال منافع خالص ۸۷۷۵ « خشیارشا » به نظارت و سرپرستی آقای عزیزالله روبین کلیه فروش بلیط توسط آقای عزیزالله روبین ۱۲۷۸۰ ریال کلیه مخارج توسط آقایان عزیزالله روبین و اسمعیل نی داود ۱۷۸۶۴ ضرر حاصله ۵۰۸۴ ریال هیئت فوق پس از نمایش خشیارشا تشکیل گردیده و با اکثریت تصویب کردند سالن سینما نورا برای دوشب کرایه کنند مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال بعداً آقای کوگان یک شب آترا بلاعوض در اختیار هیئت برای نمایش اثر تربیت گذاشتند ۳۰۰۰ ریال از سود اثر تربیت کم کرده برای تأمین خشیارشا و باقیمانده مبلغ ۵۷۷۵ ریال که ۲۷۱۵ ریال نقد و ۳۰۶۰ ریال مطالبات میباشد بانجن دروازه شمیران داده شود و الباقی زیان خشیارشا ۲۰۸۴ ریال مابین شرکا تقسیم و هیئت تاترال سینیای منحل گردید. از انجن دروازه شمیران تقاضا میشود که نماینده خود را بارسید برای دریافت وجه مزبور که نزد آقای یعقوب بینا امانت است معرفی و مبلغ مزبور را دریافت دارند.

عالم یهود - این گزارش بخوبی نشان میدهد که آنچه ما گفته ایم کاملاً صحیح بوده است زیرا این تشکیلات عریض و طویل و ۳۸ انجن های ناقص و قد و نیم قد جز زبان برای جامعه بیچاره مافائده دیگری ندارد. اینها بانواع و اقسام و جوهی که از این مردم بیچاره

حزب ایران از نظر مرام خواهان سعادت ایران و مردمی است که در آب و خاک ایران نشو و نما یافته و زندگی میکنند و این منظور شامل همه ایرانیان مسلمان و غیر مسلمان است. حزب ایران به هیچگونه اختلاف طبقاتی، مذهبی و غیره معتقد نیست. حزب ایران از نظر مبارزه دو طبقه بیشتر در ایران نمی شناسد یک طبقه مظلوم و محروم که اکثریت قریب بافناق ملت ایران و تکیه گاه حزب ایران را تشکیل میدهد و یک طبقه فاسد و خائن و بولداز که اقلیت متنفذ را تشکیل میدهد و در جبهه مخالف با حزب قرارداد و حزب بانام قوا با آن مبارزه میکند.

حزب ایران چون از نظر « ملیت » نسبت پارامنه و یهودیان اطمینان ندارد از همکاری با آنان خودداری نموده است و این دلیل بر این نیست که حزب ایران معتقد بحرومیت هائی برای آنان باشد. اگر یهودیان و ارامنه ایران نشان دهند که این نظریه ما وارد نیست و ثابت کردند که مادرشک و تردید نسبت به آنان اشتباه کرده ایم اشتباه قابل جبران است ما هم این اشتباه خود را جبران و با آنان همکاری خواهیم کرد و از نیروی آنان برای تأمین سعادت ملت ایران استفاده خواهیم نمود ولی هیچ فرد، دسته، حزب و مقامی اجازه نخواهد داد که با تیر تهمت و افترا بخواهند اشتباهات ما را با گوشزد نمایند و با توهین روادارند، ما را فاشست بخوانند و علیه ما سیاهی کنند.

ما بهمان اندازه که به اشتباهات احتمالی خود معترفیم ادعای صریح داریم که این اشتباهات بزبان ملت ایران نبوده است و این مایه سرفرازی و افتخار ماست

### آقای سرگردان!

بباید از نزدیک با ما تماس حاصل کنید و با ما بر طبق اصول صحیح و معقول به « بحث و انتقاد » پردازید و اگر شما ثابت شد که حزب ایران حزب سیاسی نیست آنگاه بخود اجازه دهید که تحت تأثیر تبلیغات مخالفین حزب ایران که بیشک مخالفین آزادی ایرانند، فرار گرفته در سبایشهای آنان شرکت جوئید و باین ترتیب یقین داشته باشید که سرگردانی شما ادامه خواهد یافت.

میکیرند و نغله میکنند و نظر بعدم رشد فکری و اجتماعی نمیدانند و نمیتوانند این وجوه را بمصرف حقیقی برسانند. چنانکه بارها متذکر شده ایم باید تمام این هیئتها و انجمنها منحل و یک انجن صحیحی از روی اسلوب و قاعده نوین تشکیل گردد و عنان و اختیار را بدست گیرد و تمام وجوه جمع آوری شده را بهر اسب و رسم که باشد در یک صندوق یعنی صندوق ملی تمرکز دهند.

### مجلس تذکره مرحوم حاخام حثیم موره

تهران - بنسابت پنجمین سال در گذشت شادروان مرحوم حاخام حثیم موره که یکی از پیشوان بزرگ اسرائیل بودند مجلس تذکره از طرف آقای موره فرزند آنرجوم در روز شنبه ۲۸ اردیبهشت در کنسای مرحوم ایسانان برقرار بود در این مجلس که بیش از پانصد نفر مردوزن حضور داشتند آقایان شلو کوهن صدق و سلیمان حثیم و ابراهیم موره بیانات و موعظه های سودمندی فرمودند و تا پاسی از شب گذشته ادامه داشت. عالم یهود - از آقای ابراهیم موره تقاضا میشود که بیوگرافی آن مرحوم را برای درج در عالم یهود ارسال دارند.

### روت و نوعی

پنجم س. حثیم روزهای ۳۰ خرداد و اول تیر ماه در کلوب سپنا

# جزئیات سازمانهای صیونیم از بدو تشکیل تا امروز

اطاعت از فرمانرمانی عرب برای اسرائیل چیز دیگری نیست مگر خراب کردن ایده آل صیونیتی بدست خود اسرائیلیها را که از مرام (کانون ملی یهود) پشتیبانی میکنند میتوان بقتل رسانید ولی نمی توان مجبورشان کرد که خودکشی نمایند .

در تابستان ۱۹۳۹ وضعیت بین المللی مجدداً پیچیده شد و کنفرانس صیونست در جلسه ۲۷ اوت ۱۹۳۹ خود که در ژنو منعقد نمود تصمیم گرفت که نسبت سیاست دولت انگلیس در فلسطین بشدت اعتراض نماید ولی اظهار داشت که این اعتراض فقط نسبت بندرجات کتاب سفید مورخ مه ۱۹۳۹ است و نه نسبت بدولت انگلیس .

در اوت ۱۹۳۹ چون وضعیت بین المللی سرعت رو بخرابی میرفت دکتور وایزمن در آخرین کنفرانس خود در کنفرانس صیونسم باردیگر متذکر شد که « اگر اسرائیلیها اعتراضاتی نسبت بدولت انگلیس دارند بعلمت این است که آنها هم نسبت بدموکراسیهای غربی خیلی علاقه دارند . جنک انگلیسها برخلاف مظالم هیتلری باجک ما بر علیه ظلم و سستی که در آلمان نسبت به برادران ما روا میدارند تفاوتی نداد بلکه هر دو روی یک پایه و برای منظور واحدی است »

پس از اینکه دکتور حییم وایزمن به لندن برگشت در ۲۹ اوت ۱۹۳۹ نامه زیرین را باقای چمبرلین نگاشت :

« آقای نخست وزیر گرامی : در این ساعت بحران فوق العاده « ملت یهود احساس میکنند که باید از آزادی جهان و مرام بشر دوستی و انسانیت پشتیبانی و از آن دفاع کنند و روی همین اصل اینجانب اقدام به عرض این نامه نموده و میخواهم بیاناتی را که همیشه بر سر زبان من و « همکارانم جاری است بطور واضحتری تأیید کرده و بگویم که « ملت « اسرائیل » پهلوی دولت انگلیس ایستاده و بنفع کشور های دموکراسی « خواهد جنگید »

« مهمترین آرزوی ما این است که اظهارات فوق را عملاً ثابت نمائیم و با همکنان بریتانیایی تشریک مساعی کرده و خود را هم در « مسائل بزرگ و هم در مسائل کوچک تحت اوامر و دستورات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بگذاریم و برای این منظور آژانس یهود « حاضر است ترتیبات لازمه را برای استفاده از توانائی فنی و « کارگر مورد لزوم و منابع مالی یهودی بنفع دولت پادشاهی بریتانیا « بعمل آورد »

« اخیراً آژانس یهود در موضوعهای سیاسی اختلافات با دولت « قیم فلسطین داشته ولی فعلاً حاضر است که آن مسائل را کنار گذاشته « و راجع بجوانج ضروری فعلی اقدام نماید و آقای چمبرلین هم در تاریخ « ۲ سپتامبر نامه ذیل را در پاسخ فرستاده است :

« دکتور وایزمن ارجبند - بدینوسیله تشکرات پر حرارت خود « را نسبت بندرجات نامه مورخ ۲۹ اوت آن جناب اشعار داشته و از « روحیه ای که شمارا وارد بکارش آن نمود سیاستگذاری نمایم . صحیح « است که فعلاً اختلاف نظریه ای بین نیروی قیم و آژانس یهود راجع به « سیاستی که در فلسطین تعقیب میشود موجود میباشد ولی بسیار مایه مسرت

« اینجانب است که جناب عالی اطمینانهای لازمه را مرحمت نموده اید و ضمناً « مایه خورسندی است که در چنین موقع بحرانی فوق العاده یعنی در « این هنگام که آئین بشر دوستی ما مورد حمله مستکارانه جابرین قرار میگردد « دولت انگلستان میتواند به تشریک مساعی صمیمانه آژانس یهود اعتماد « نماید علیهذا موقع را غنیمت شمرده و اظهار میدارم که اطمینانهای که « آنجناب داده اند در کابینه دولت انگلیس با حسن قبول تلقی شده و البته « منظور نظر واقع خواهد گردید »

## نتیجه

چنانچه کانون ملی یهود فلسطین بتواند فوراً میلیونها افراد یهودی را که تصیم دارند اسرائیل بمانند در خود جای دهد البته اوضاع در هم برهم این ملت اصلاح خواهد شد و باردیگر اسرائیل هم ملتی مثل سایر ملل جهان خواهد شد .

ولی بدلائل اقتصادی و بعلمت مخالفت اعراب این نظریه امکان نخواهد داشت در ظرف ده سال اخیر ( مقصود از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ تاریخ تالیف کتاب است مترجم) بیش از ۲۵۰۰۰۰ اسرائیلی فلسطین مهاجرت کرده اند ولی هنوز هم شماره اسرائیل این کشور به رقم لازمه نرسیده است باینجهت غیر از فلسطین راه حل دیگری هم باید برای مسئله یهود جستجو نمود .

جمعیت اسرائیل فلسطین مرکزی خواهد شد که اعضای پراکنده ملت یهود را بهم خواهد پیوست و زبان رسمی آنجا عبری خواهد بود و ادبیاتش بهمان زبان نوشته خواهد شد و فرهنگ مشتعش عهد عتیق مجدداً زنده خواهد گردید - اسرائیلیها خواهند توانست آنجا استعدادات علمی و آرتیستی ( فنی ) خود را بهتر از کشورهای دیگر بنمونه ظهور گذارند زیرا در آن ممالک مقدار زیادی از انرژی اسرائیل صرف کشمکش بی حاصل و مبارزه برضد آتی سیتسیم میشود . علاوه در فلسطین تناسب اسرائیلیهای که در فلاح و صنعت ماشین و صنایع دستی بکار میروند بیشتر بوده و کاربرد متعادل تری تقسیم شده و برای سعادت و بهبود اوضاع ملت بهتر خواهد بود - اگر اسرائیلیهای فلسطین مقام خود را در فرهنگ جهانی احراز بنمایند وضعیت اسرائیل های گالوتی در میان سایر ملل طور دیگری خواهد شد یعنی بملیت یهودی خود اقتضار خواهند کرد و دارای عزت نفس شده و ورشته اتحادشان با دیانت اسرائیل محکمتر خواهد شد و بهین دلیل بیشتر دوست خواهند داشت که اسرائیل بمانند .

در زمان قدیم منهد اسرائیل یگانه مایه اتحاد بین تمام ملت اسرائیل بود و آنها را از سایر ملل عالم مجزا نگاه میداشت ولی امروز اینطور نیست - یهودیان باین شرط میتوانند یابدار بمانند که دارای ایده آل اجتماعی جدیدی شوند که با تاریخ اجدادیشان مربوط باشد فقط صیونسم میتواند چنین ایده آلی را بآنها بدهد یعنی ( آبادی کانون ملی یهود برای استقرار ملت اسرائیل ) - باین ترتیب شالوده ای در فلسطین بی افکنده خواهد شد که دارای نهایت اهمیت برای حفظ بقیه ملت یهود در سرتاسر

آیا دولت انگلیس این کار را خواهد کرد ؟ یعنی همان دولت انگلیسی که برای استرضای خاطر اعراب حق اسرائیل را پایمال نمود ؟ صیونسم روی این اصل تشکیل گردید که اسرائیل چون همه جا در اقلیت است باینجهت نمیتواند وجود ملی خود را حفظ نماید و همه جا کم و بیش تابع رأی اکثریت میباشد و مقصود از تشکیل کانون ملی یهود این بود که باین ملت فرصتی داده شود که بعنوان ملت زنده ای در فلسطین ( البته در جوار اعراب و روی اصل مساوات و استقلال ) نشو و نما کند

محدودیتهایی که بر مهاجرت و خرید و فروش زمین از طرف دولت انگلیس وضع شده موضوع استقرار کانون ملی یهود را در فلسطین بصورت افسانه ای در آورده است - مهاجرت عبارت از شریانی است که یثو ( یعنی جمعیت اسرائیل فلسطین ) را با اسرائیلیهای موجوده در سایر قطعات عالم مربوط میسازد .

حال اگر این شریان بسته یا قطع گردد ( آطور که دولت انگلیس پیشنهاد نموده ) یعنی مهاجرت محدود شده ( یثو ) هم متلاشی شده و فنا خواهد شد . در فلسطینی که امروز اسرائیلیهای ناامید از همه جا چشم خود را بسوی آن دوخته اند اگر تعداد اسرائیل محدود جمعیت یهودی فعلی آن گردد حال اگر مهاجرت و کفک رسانیدن بایسرائیلیهای آنجا محدود یا قطع گردد چگونه میتوان نام ( کانون ملی یهود ) را روی آن گذارد . گذشته از اینها اسرائیلیها باید حتماً مقدار زیادتری از زمین فلسطین را خریداری نمایند که بتوانند شالوده صحیحی برای زندگانی مهاجرین جدید ریخته و در سیستم اقتصادی آن کشور مقام مهمی بفلاحت بدهند .

اینجا دیگر موضوع بیرون کردن اعراب در فلسطین چدرین نییاشد مثلاً قطعه زمینی وجود داشت بنام « حوله » که ۵۰۰۰۰ دونام مساحت داشته و بزرگترین و مالاریا خیز ترین قطعات اراضی فلسطین محسوب میشد یک نفر عرب از اهالی سوزیه قبل از جنک بین المللی اول امتیاز خرید این زمین را از سلطان عثمانی گرفته بود ولی تا سال ۱۹۳۴ هیچ نوع اقدامی برای آباد کردن این قطعه خاک بعمل نیامد تا اینکه یکی از کیانیهای اسرائیل ( شرکت عمران زمینهای فلسطین ) آنرا از صاحبش خریداری کرد - عربهای ساکن آنجا قسمتی از خاک مالاریا خیز آنرا کشت و زرع نموده بودند و اوضاع زندگانشان بسیار بد و وابسته بیل صاحب امتیاز بود که قرار داد های کوتاه مدت آنها را تمدید نماید یا ننماید ... وقتی که کیانی فوق الذکر آنجا را خرید متعهد شد که بتصدیق دولت هر چه زمین برای زندگی کردن آنها لازم باشد بایشان وا گذارد نماید یعنی در صورت لزوم تا نلک آن خاک را که سیصد هزار لیره ارزش داشت باختیار آنها بگذارد باین ترتیب میسر شد که هم برای اسرائیلیهای تازه وارد زمینی تهیه شود و هم وضعیت عربهای آن سامان بهتر شده و سر و صورتی بخود بگیرد - طرق جدیدی را که اسرائیلیها برای فلاح خاک فلسطین بکار میبردند چنانچه در همه جای آن کشور بکار رود جمعیت خیلی بیشتری میتوانند در آن سر زمین زندگی کنند بطوریکه در این مدت کوتاهی که از سکونت اسرائیل در فلسطین میگذرد اوضاع اقتصادی آن کشور خیلی ترقی کرده و بهتر شده و وسائل جدیدی برای زندگی کردن صد ها هزار مردم و امرار معاششان از راه فلاح یا صنعت تهیه شده است

اما باید دانست که این نبوغ اسرائیل و انرژی او وشوق وذوق فوق العاده ای که برای کار کردن دارد فقط در صورتی است که بتواند با آزادی کار کند و نه اینکه مطیع دستورات مستبدانه اعراب بوده یا محدودیتهای مقرراتی چه از حیث مهاجرت و چه از حیث خرید زمین برای او وضع شود .

جهان خواهد بود - گرچه اسرائیلیهای فلسطین فقط قسمتی از یهودیان دنیا بشمار خواهند رفت ولی وسعت زندگی اسرائیلی نفوذ ایشان را بر تمام یهودیهای جهان یابدار نموده و از آسیبلاسیون و تیسیر منهد دادن آنها جلوگیری خواهد کرد و در دنیا چنان تعادلی برقرار خواهد شد که تا مدت مدیدی لزوم وجود ملت یهود را تضمین خواهد نمود .

سایر مللی که کمتر از اسرائیل هستند یعنی دانمارکیها و سوئیسیها و هلندیها و سوئیڈیها و نروژیها تا کتون توانسته اند وضعیت خود را در دنیا حفظ نمایند - آیا کسی میتواند انکار نماید که اگر این ملل از صفحه کیتی نابود شوند لطمه بتمدن جهان وارد خواهد آمد ؟ البته ملل بزرگ دنیا حداکثر جدیت خود را خواهند نمود که این ملل کوچک مضحل و منقرض نشوند . همین مراتب هم درباره اسرائیل صدق میکند و شکی نیست که ترقیات فرهنگی اسرائیل نه تنها کمتر از ترقیات ملل فوق الذکر نیست بلکه بالاتر هم هست .

سرنوشت اسرائیل فلسطین و گالوت وابسته بترقیات فرهنگی و سیاست عمومی بشر است - رژیم نازی در آلمان بطور ناگهانی و غیر منتظره ای توانست اسرائیلیهای آلمان را فنا کرده و با تبلیغات وسیع وجهانی خود با اوضاع یهودیان سایر کشورها هم لطمه وارد آورد .

از طرف دیگر فراموش نشود که در کشورهای دموکراسی احساسات اسرائیل دوستی زیادی ابراز شده و میشود و مساعی اسرائیلیها برای استقرار در کانون ملی خودشان از طرف جماعتی از نوع پروران تشویق و تقدیر میگردد و در نتیجه اسرائیلیها در جنک برای تنازع بقای خود تنها نیستند و این احساسات مخصوصاً در روزگار کنونی خیلی گرانبهاست - جنک بین - المللی دوم ممکن است مسئله اسرائیل را بنحو رضایت بخشی حل نماید و مثل جهان که فعلاً در راه عدالت و نوعی روری میجنگند کمک خواهند کرد که اسرائیلیها از این وضع فلاکت آمیز کنونی بدر آیند تا باین ترتیب یکی از ناراحتیهای فکری بشریایان یابد .

نسل کنونی اسرائیلیهای جهان باید سرنوشت و آئینده یهودیان دنیا را راجع باین مسئله مهم ( مبارزه حیات یامات ) تعیین نماید - در فلسطین اسرائیلیها نشان داده اند که میتوانند هر نوع مخاطراتی را در راه آبادی کانون ملی خود تحمل نمایند ولی برای این منظور احتیاج به پشتیبانی دائمی اسرائیلیهای سرتاسر جهان دارند که در هر موقع فدا کاریهای لازمه را بنمایند .

امروز یش از هر وقت دیگر اسرائیلیها باید قوای خود را رو بهم گذارند و بایکدیگر متحد شوند تا در کنفرانس صلح آئینده بدولتهای پیروز مسئله یهود را فهاینده و راه حل آن یعنی ( واگذاری فلسطین برای تأسیس کانون ملی ) را بایشان خاطر نشان نمایند .

اگر اسرائیلیها بتوانند چنین کاری را انجام دهند میتوان گفت که از عهد و وظایفی که تاریخ این ملت محول نموده برآمده اند یعنی تاریخی که طول آن از هزاران سالهم متجاوز است و باین ترتیب نسلهای آئینده خواهند توانست روی پایهای که مابنانوده ایم بناهای مهمتری آباد نمایند .

پایان

ترجمه المازار کهنصدق

# تاریخ مختصر یهود

و اما «منته» فرزند حرقیاهو که بجای پدر نشست (۶۹۰ تا ۶۳۵ قبل از میلاد) برخلاف پدر برگرداند. تمدن آشوری در زمان او دوباره جای خود را باز یافت. اعمال عدالت و دادگری موقوف و «اورشلیم از خونهای پاک پر شد» بساط هوس و خدا ناشناسی گسترده شد و برای بتهای آشوری قربانگاهها برپا گشت و این وضعیت در زمان سلطنت پسرش «امنون» نیز که در سال دوم سلطنتش کشته شد ادامه داشت تا نوبت سلطنت به «یوشاهو» رسید.

## ۱۴ = افتراض یهودا (خرابی هعبد)

یوشاهو طریق جد خود حرقیاهو را انتخاب کرد و یکمکن بیغمران و گاهنان بنیان سلطنت و حکروائی عادلانه و قانونی را برقرار نمود و این عدل در اثر آن بود که روزی در ضمن تعمیرات معبد یکی از اسفاز پنجگانه تورات (سفر دباریم) را یافته و آنرا که مشتمل بر قسمت اعظم قوانین اجتماعی و مملکت داری و فرامین و دستورات حضرت موسی (ع) بود برای یوشاهو خواندند و بیغمران صحت آنرا تصدیق و تأیید نمودند. خواندن این کتاب تأثیر زیادی در شاه نموده و تصمیم گرفت که آثار بت و بت پرستی را از مملکت براندازد و مردم را مجبور نمود که مطابق قواعد و قوانین توراة زندگی کنند. بزرگترین کمک و پشتیبان شاه در این امور «یرمیاهو بیغمر» بود یرمیا دارای احساساتی شدید بود و با تمام قوت خود در تقویت بنیان سلطنتی در یهودا که متکی باصول و قوانین مسطور ذر توراة باشد می کوشید.

و اما این دوره هم زیاد طول نکشید و بزودی دوران پر آشوب دیگری نمودار گشت دولت آشور که توانسته بود در اثر جنگهای فراوان قسمت اعظمی از دنیای تمدن آنروز را بچنگ آورد بر تمام ممالک واقعه بین نهر فرات تا دریای مدیترانه سلطنت مینمود کم رو بضعف مینهاد و دشمنان دیرین او در پی آن شدند که یک قسمتی از بیکر این مریض محض را بلعیده و تلافی شکستهای گذشته را بشینند.

دولت مصر هم که یکی از دشمنان قدیمی آشور بود با سپاه عظیمی از جانب کشور یهودا بطرف آشور یش میرفت ولی یوشاهو از ترس اینکه مصریان بعد از گذشتن از ارض اسرائیل و غلبه بر آشور به تخریب کشور یهودا راضی نشوند راه را بر سپاهیان مصر بسته و بالاخره در جنگ بسیار شدیدی که بین سپاهیان یهودا و قشون مصر روی داد یهودا شکست خورده و یوشاهو نیز کشته شد.

در اثر این فتح «فرعون نخوه» سلطان مصر فرمانده و حکمران بلانمازع و مطلق العنان قلمرو یهودا شده و پس از اسیر کردن یهودا و یوشاهو برادر یوشاهو را موسوم به «یهویاقیم» سلطنت یهودا منصوب کرد و خراج و مالیات گزافی بر آن بست.

یهویاقیم (۶۰۷ تا ۵۹۷ ق. م) امور مستقیم و صحیح مردم داری را کنار گذاشته و بگرفتن و وصول مالیاتهای سنگین و مافوق آنچه که سلطان مصر مطالبه مینمود پرداخت و برای خوش آمد مصریان بترویج تمدن مصری پرداخت و در اثر این موضوع یرمیاهو بیغمر بانقاد او پرداخت و ویرانی معبد مقدس اورشلیم را در آتیه نزدیک باو گوش مینمود.

نموده و او را محاکمه کرده می - خواستند او را بکشند ولی بدست عده ای از دوستان خود در هائی یافت در این ایام دولت آشور منقرض شد و بجای او دولت عظیم دیگری در بین النهرین موسوم بدولت بابل تأسیس یافت و در زمان سلطنت «نبوخذ نصر» یا «بخت النصر» باوج عظمت و قدرت خود رسید.

بخت النصر مصریان را در سوریه شکست بسیار سختی داده و آنرا از قلمرو یهودا نیز خارج ساخته میخواست حدود متصرفات خود را بسواحل رود نیل برساند.

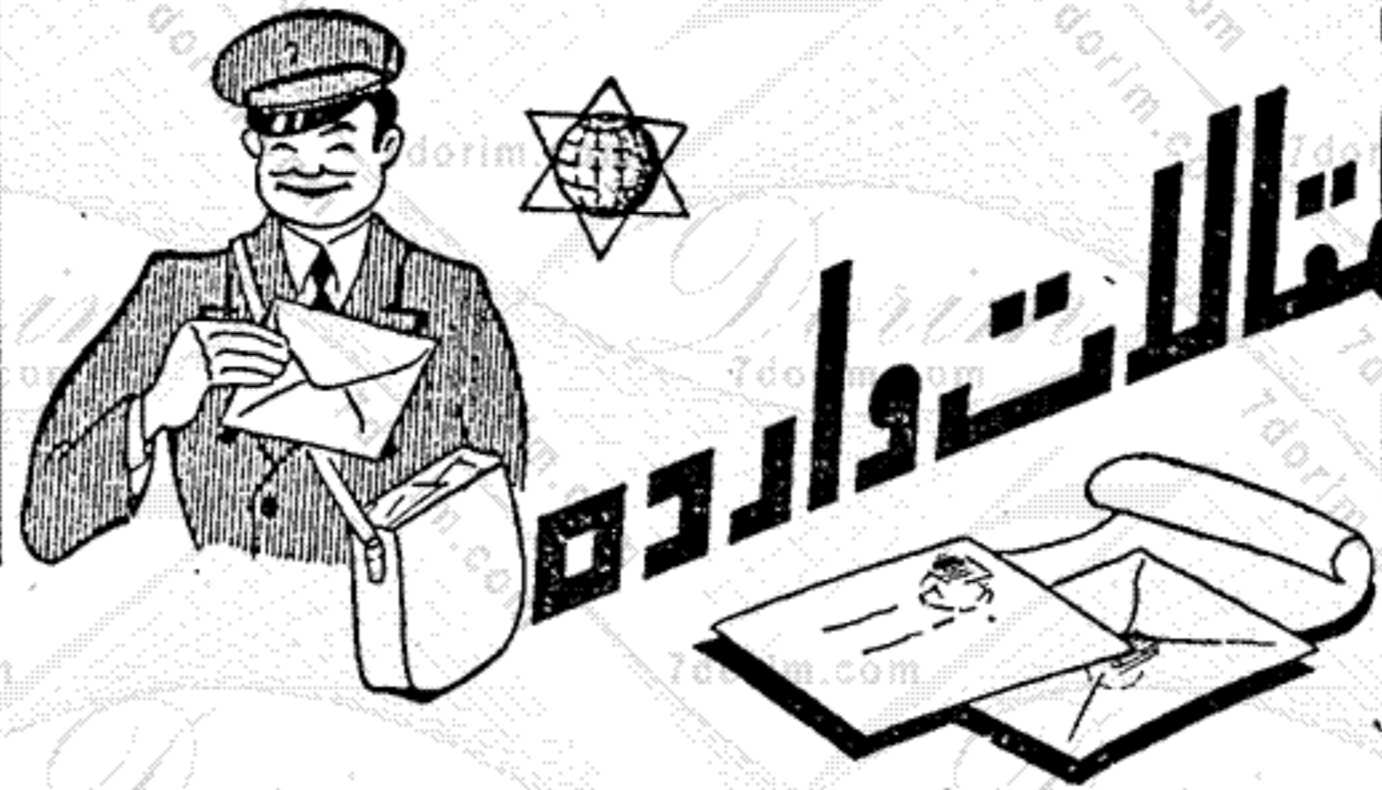
یهویاقیم پادشاه یهودا ابتدا از حکومت بابل اطاعت نموده ولی بعداً با وجود اینکه یرمیاهو او را از مخالفت بابابل که مطابق عقیده وی بزودی باید بر یکی از سواحل مدیترانه تسلط یابد منع مینمود به بخت النصر بشورید. سپاه بخت النصر بحاجت یهودا روی آورد در این هنگام یهویاقیم فوت نموده و پسرش «یهویاخین» بجای او نشست و در حالیکه یش از هجده سال نداشت.

برای ابراز وفاداری و تسلیم از شهر خارج شد ولی بخت النصر که باین قول مطمئن نبود شاه جوان و خاندان سلطنتی و ده هزار نفر از بزرگان و سرکردگان ملت را بانفاق بسیاری از لوازم و وسایل و ظروف و جواهرات قیمتی معبد مقدس را با خود باسارت به بابل برد و عوی شاه یعنی برادر یهویاقیم را که «صید قیاهو» نام داشت بسلطنت منصوب کرده و وی قسم خورد که بیوسته نسبت بشاه بابل وفادار باشد. هجرت و اسارت یهویاخین روح ملت را سخت افزوده کرد ولی ساکنین یهودا امیدوار بودند که دوران عظمت و اقتدار بابل بزودی خاتمه یابد و یهودا عظمت و استقلال خویش را باز یابد صید قیاهو که مردی بی اراده و ضعیف الحال بود آلت دست سرداران و اطرافیان خود شده بود که بدو دست تقسیم شده بودند عده ای طرفدار اطاعت از بابل بودند تا اینکه خطر مرتفع شود و دسته دیگر میخواستند که با کمک مصر بر بابل بشورند عاقبت دسته دوم غلبه یافت و پس از هفت سال که صید قیاهو که احترام قسم خود را محفوظ داشت با بستن عهد نامه های اتحاد با ممالک همسایه بر بخت النصر بشورید.

بخت النصر با سپاه عظیم و جرار خود که در دنیای آنروز بی سابقه بود بجانب یهودا روی آورد و شهرها و برجهای جنگی را یکی پس از دیگری تسخیر کرده ویران ساخت و بجانب اورشلیم پایتخت یهودا تاخت و آنرا محاصره نمود.

فراریان شهرها و سپاهیان شکست خورده همگی بخیال آنکه برج و باروهای عظیم و دیوارهای ضخیم اورشلیم که بوسیله پادگان قوی زیاد پایتخت حفاظت میشد از عهده پایداری در مقابل قشون خونخوار و جرار بابل بر خواهد آمد همگی بی پایتخت آمده و خود را برای دفاع آن آماده ساخته بودند.

محاصره اورشلیم یکسال طول کشید سپاهیان بابل تمام راههای ارتباط و رسیدن خواربار و وسایل جنگی را بر اورشلیم بسته بودند جمعیت زیاد شهر که شاید چند برابر جمعیت عادی آن بود و نرسیدن آذوقه و مهمات بعد از یکسال قحطی شدیدی پدید آورد و مرض و حشنتاک و با و طاعون هم در میان این قحطی شدیدی دامنگیر ساکنین و محصورین شد.



# تقلبات وارد شده

بقیه از شماره ۲۸ ص ۴۷۷

## تأثیر مطبوعات

• گفت با این وصف وجود يك نشریه درد ما را درمان نخواهد کرد!

با گفتن این جمله بی ارزش دانستم که رفیق شفیقم! نیردرمان معایب اجتماعی را بول! میداند.

گفتم آنچه ما را از سیر تکامل باز داشته. سستی ایمان خود پرستی بدینی است که تار و پود و اجتناع ما را فرا گرفته است و این درد های اجتماعی را جز با وجود يك نشریه نتوان بر طرف نمود.

يك نشریه بمنزله مغناطیسی قوی است که تمام افراد يك اجتماع را در حوزه مغناطیسی خود قرار داده و با روش متین خود افکار و کردار جوانی را از آدمی دور و خصائل انسانی را جایگزین آن مینماید.

تنها يك نشریه است که میتواند روح دانش پژوهی، نوع پروری و پایداری ایمان را در افراد يك جامعه یدار میسازد. وجود يك نشریه خواهد بود که افراد را آشنا میسازد که بقای عالم اجتماع بر دین استوار است و کسیکه با اعمال نیک ارزش نمی نهد با زبان طلب آمرزش نمی تواند کرد.

وجود يك نشریه است که ثروتندان بی خبر را از حال زار فقیران آگه میسازد و آنانرا بوظائف وجدانی خود وادار مینماید. آدمی را آشنا میکند که برای بقای يك جامعه اجتماعی قوی لازم است که افراد آن دارای روح قوی، فرهنگ قوی، جسم قوی باشند.

پس مایک نشریه از این روی ارزش می نهم که ما را از خود گردی و خواب خرگوشی یدار ساخته و شاهراه تکامل رهبری مینماید ولی افراد يك اجتماع نیز میبایست در دفع معایب اجتماعی خود بکوشند و نیز در بقاء و پایداری يك نشریه که رل مهمی را در تجدید حیات اجتماعی بازی مینماید ارج گذارند در حالیکه تبسمی حاکی از رضایت بر لبانش نقش بسته بود گفت: (اراک مسیح سلیمانی)

یرو نامه مورخه ۲۵/۱۰/۲۴ خود و عطف بشماره ۴/۵ مورخه ۲۴/۱۰/۲۴ آن اداره مبلغ یکصد ریال (-/۱۰۰) قسمتی از هزینه مراسم یاد بود سال مرحوم پدر خود آقا بابا بن شلومو یوم طویان را برای پرداخت به صندوق ملی بیبوست ارسال و با بیصبری هر چه تاملتر انتظار شنیدن بزرگه تأسیس صندوق ملی را دارد.

## تقاضا از کلیه اسرائیل های ایران

چون عالم یهود احتیاج مبرم به روزنامه های شالم - هگنولا - و هعیمیم دارد از کلیه اشخاصیکه در تهران و ولایات از آن روز نامه ها دارند - خواهشمندم که از هر شماره که دارند بفرستند عالم یهود حاضر است درازا یا بهای آنها را بپردازد و بجا جایزه ای بفرستد گان بدهد.

موقع رامتنتم شمرده از مساعی خستگی ناپذیر کارکنان آن مجله گرامی که برای تأسیس صندوق ملی از هیچگونه اقدامی کوتاهی نکرده و با جدیت زیادی آنرا تعقیب و تبلیغات لازم را بنحو احسن در مجله عالم یهود می - نمایند قدر دانی و تشکر نموده و شخصاً معتقد است هزاران تشکر و قدر - دانی موقعی ارزش خواهد داشت و بمنزله پاداشی برای کارکنان آن مجله محسوب خواهد شد که افراد ملت اسرائیل بخصوص بزرگان ملت دست اتحاد یکدیگر داده و منویات عالی کارکنان آن مجله را با تأسیس صندوق ملی که شالوده اصلاحات اساسی است بر آورند.

السفان یوم طویان



برای اینکه برادران یهودی، بدانند این موضوع تا چه پایه دارای اهمیت و مورد علاقه عموم است نامه آقای یوم طویان را بنظر خوانندگان و برادران خود میرسانیم و با بی صبری تمام منتظریم مقامات صلاحیت دار بیشتر از این مسامحه را جایز ندانسته و شروع بکار نمایند. صد ریال آقای یوم طویان بنام اولین رقم سرمایه نگاهداری میشود.

## اوضاع اسرائیل های بابل

گرچه تا بحال کرا را راجع باوضاع اسف آور اسرائیلهای بابل نوشته شده باز اخیراً گزارشی رسیده است که ما خلاصه آنرا برای اطلاع عموم درج مینمائیم.

۱- اوضاع اقتصادی - از ۷۰۰ نفر جمعیت اسرائیل این شهرستان فقط ۶ نفر آنها دکاندار و بقیه بیکار و بکارهای دوره گردی و غیره اشتغال دارند و فقر و فلاکت دامنگیر آنها میباشد.

۲- اوضاع فرهنگی - بواسطه نداشتن بودجه و دبیر و کمک دبستان آنها تعطیل است و با وجودیکه کرا را از اسرائیلهای تهران تقاضای کمک نموده اند هیچگونه ترتیب اثری به تقاضای آنها داده نشده و حتی بواسطه نداشتن حاخام و پیشوا اطفال آنها نه فقط ختنه نشده بلکه زبان مندی و نیاز را هم نمی دانند.

۳- اوضاع بهداشتی - بواسطه نداشتن حمام و طبیب و وسائل مداوا اکثر مردم ضعیف و ناتوان و با امراض گوناگون مخصوصاً مالاریا دست بگریبان هستند و حتی جوانانی چند بواسطه بی میلانی و عدم رشد فکری و اخلاقی مبتلا به ایفون که یکی از بلاهای خانان سوزاست گشته اند عالم یهود - ما نظر انجمن کلیمیان تهران - آلیانس - انجمن روحانی و هاراب لوی و انجمن خیر خواه را براتب فوق جلب مینمائیم.

و اخیراً نیز آقای بابی که یکی از اخیر اندیشان بابل هستند بتهران آمده اند تا شاید بتوانند با کمک بزرگان اسرائیل تهران موفق به بهبود اوضاع اسف آور اسرائیل های بابل گردند.

**نتیجه مسابقه «هوش خود رایازماید» قسمت ۳۳**

**پاسخ:** «البه نفع سلیمان باین بود که با ارباب دومی بسازد چه پس از دو سال که نزد اولی میباند فقط دو دست و چهل هزار ریال میگرفت ولی حالا با اینکه درمایه های اول حقوقش خیلی کم و ناقابل است درماید بیست و چهارم مبلغ ۴۰ ریال در یافت میکند»

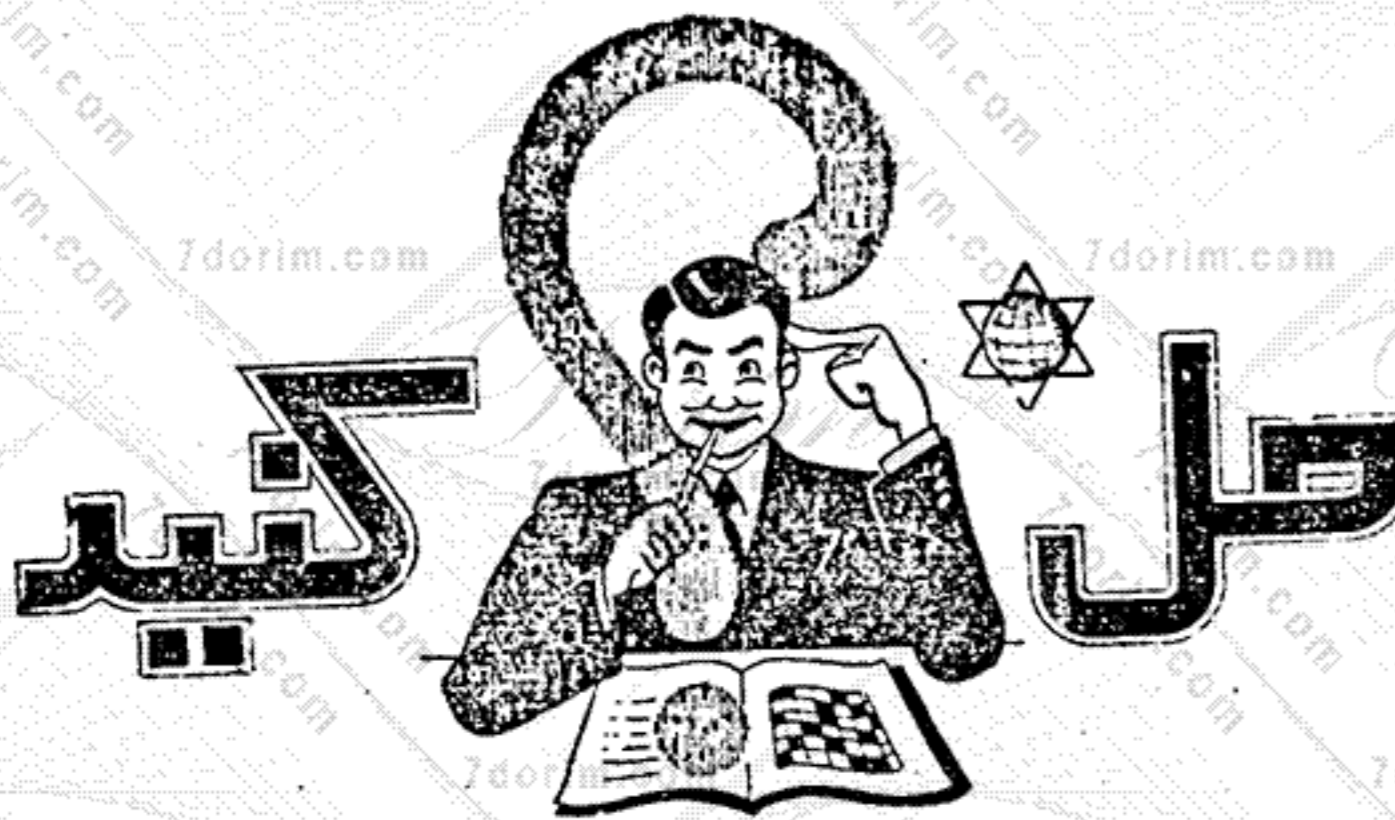
و کلیه حقوق (۲۴ ماه) آن ۸۳۸۸۶۰ ریال و در نتیجه مبلغ ۵۹۸۸۶۰ ریال زیادت از تجارتخانه اولی دریافت مینماید در این مسابقه عده زیادی شرکت نموده و بیشتر شرکت کنندگان حقوق ماه بیست و چهارم تجارتخانه دومی را جواب داده اند فقط اشخاصی که نتیجه رسیده اند از تهران: دوشیزه (بانو!) مهین کامیابی و آقایان الیاس لاریان، ابراهیم زر، یوسف بن پورات، نورالله نور محودی

**از شهرستانها:** آقایان گوئل مرادی، دانیال دانش نجات الله نظریه، داود میزراحی و ایرج یاشار میباشند که بحکم قرعه آقای ابراهیم زر از تهران و آقای گوئل مرادی از (خوانسار) برنده شناخته شدند.

**نتیجه مسابقه «آن چیست» قسمت ۳۳**

**پاسخ:** (شیر است بدلیل آنکه مقصود از (سید سر) بحروف ابجد «ش» (ده شکم) «ی» (تذو صد یا) «ر» می باشد که از ترکیب این سه حرف کلمه شیر بدست میاید) اینک اشخاصیکه پاسخ صحیح داده اند از تهران: دوشیزه ویکتوریا آشریان، مهین دائی، و آقایان نجات الله دانشور یوسفی، ناصر بن لوی، میرزا آقا دوست، نصیر نیسانیان، الیاهو بنیامین، داود ابراهیم، فرزاد و موسی عریان

**از شهرستانها:** بانو مهری یاشار و دوشیزه عشرت کهن، مهین کامیابی و آقایان ایشای ابراهیمیان، حق نظر حکاکیان، نجات نور افشان، خلیل نیکتو، رحمن فرج زاده، امیر لاریان، آقایان همدانی، یوسف قانونیان، الیاس سامعی، یعقوب نظیری، سلیمان دیلمقانی، امیر آقار، شهاب هارونی، موسی یاشار، حزقی مرادی، داود شرافتخواه داود سلیمانیان، حق نظر شرکاء، همدانی، نجات الله نظریه، صیون کهن، یعقوب یورد و ملایری، یاشی جانی و دوشیزه افسر استوار ربانی رحیم رحیمی، راسرالی برندگان بحکم قرعه از تهران آقای ناصر بن لوی و از شهرستانها بانو مهری یاشار (بابل) میباشند



**حل**

انديشه	صاحب	کند	آنتست
عقل	طلب	نکند	پایانرا
حالی	که	عقل	منصب

**نتیجه مسابقه «شهر پراکنده» قسمت ۳۳**

**پاسخ:** «از تنگی چشم فیل معلوم شد آنانکه غنی ترند محتاج ترند» در این مسابقه عده زیادی شرکت نموده اشخاص زیر جواب صحیح داده اند:

**از تهران:** بانو فریده رفیع و دوشیزه نورانیه تهرانی، مهین کامیابی و آقایان م. خوش سیما، م. ابدیا، م. حقانی، ج. یاشار، ع. دقیقان، م. بلغار، ن. دانشور یوسفی، ابراهیم زر، م. عریان، نصیر نیسانیان و عطا الله زنده دل

**از شهرستانها:** آقایان ح. نیکو، ص. کرمانی زاده، م. خاخام زاده، یعقوب پور و ملایری، ن. نظریه، ف. کاشی زاده، ش. هارونی، س. دیلمانی، م. آقار، ا. سامعی، آ. همدانی، ر. فرج زاده، م. دوجرخه ساز، ا. یاشار، پ. استوار ربانی، ن. اسحاقیان، ا. حیاتی، ح. حکاکیان، خ. گوئل نجاتی و ا. ابراهیمیان بحکم قرعه از تهران بانو فریده رفیع و از شهرستانها نصرت الله اسحاقیان (ملایر) برنده شناخته شدند.

**معما**

مردی را بواسطه خلانی که مرتکب شده بود محکوم یک ماه حبس بدون صرف غذا نمودند و نیز نذقی شد که هیچکس حق ملاقات او را بغیر از عیالش نداشته باشد ولی چند روز قبل از صدور این حکم زن محکوم که حامله بوده فارغ میشود و بر تمام مدت یکماه که محکوم در محبس بوده عیالش پس از آنکه از طرف نگهبانان تقشیش میشده که غذا با خود برد بلافاصله شوهرش میرفته است - مدت یکماه سیری شد و مرد محکوم برخلاف انتظار زنده ماند - فرستنده - حکایان علت اینکه مرد محکوم در این مدت نمرده است بپانویسید و بایکریال سیر ارسال دارید و بیست جلد عالم یهود بطور جائزه دریافت دارید -

**شهر پراکنده**

یک فرد شعر در خانه های این جدول پراکنده شده است

شعر مطلوب را یافته برای ما	فرستنده بدو نفر از اشخاصیکه پاسخ صحیح بدهند بحکم قرعه ۲۰ قسمت عالم یهود جائزه میدهم
----------------------------	---

**نتیجه مسابقه «خوب - ارزان - قشنگ»**

**آرایشگاه نایس (کالی سابق) لاله زار پاساژ بهار** بهترین آرایش برای برادران و بانوان گرامی با ارزاترین قیمت فرش ماهه ۵۰۰ ریال تحت نظر بانوی متخصص انجام داده میشود

**تصنیفهای جدید**

تصنیفهای جدید و فکاهی اثر آقای حکایان از طرف هیئت هنریشکان صیون بهای پنج ریال منتشر شد از فروشندگان عالم یهود خریداری فرمائید و بفروشدگان صدی بیست تخفیف داده میشود. متمنی است برای اشخاصیکه قبلا فرستاده شده وجه آنرا به نشانی تهران - چهارراه یوسف آباد - چاپخانه بوستانی ارسال دارند.

میشوم هنوز منظره دلپذیر این صحنه زیبا جلوه گری میکند و امواج کف آلود آب با جوش و خروش بی پایان که از قلل کوهها سر ایزر میشدند در نظرم مجسم است و دقیقه ای معجزه نمیکردند.

آه چه سریع است انقلابان زمان و چقدر غریب است حوادث و تصاریف روزگار که ایام شادکامی و جوانی هر شبی را بسیه روزی و خواری تبدیل میکند.

هم چقدر بندگان بی عاطفه دارد که وقتی ایام جوانی و خوشی را شامل بودم دسته دسته بتماشای من میشتافتند. از ثمره من بهره مند میشدند و از زیبایی من لذت میبردند ولی اکنون که بدین سختی گرفتارم هیچکدام بن اعتنائی نمیکنند و بیاد من بیچاره نیستند.

میخواهم بدانم که کدام رشته مرموزی است که مرا بدینسان انداخته و چه روزی خواهد رسید که من از قید دوری رهائی یافته و این قالب تنک را وداع گویم.

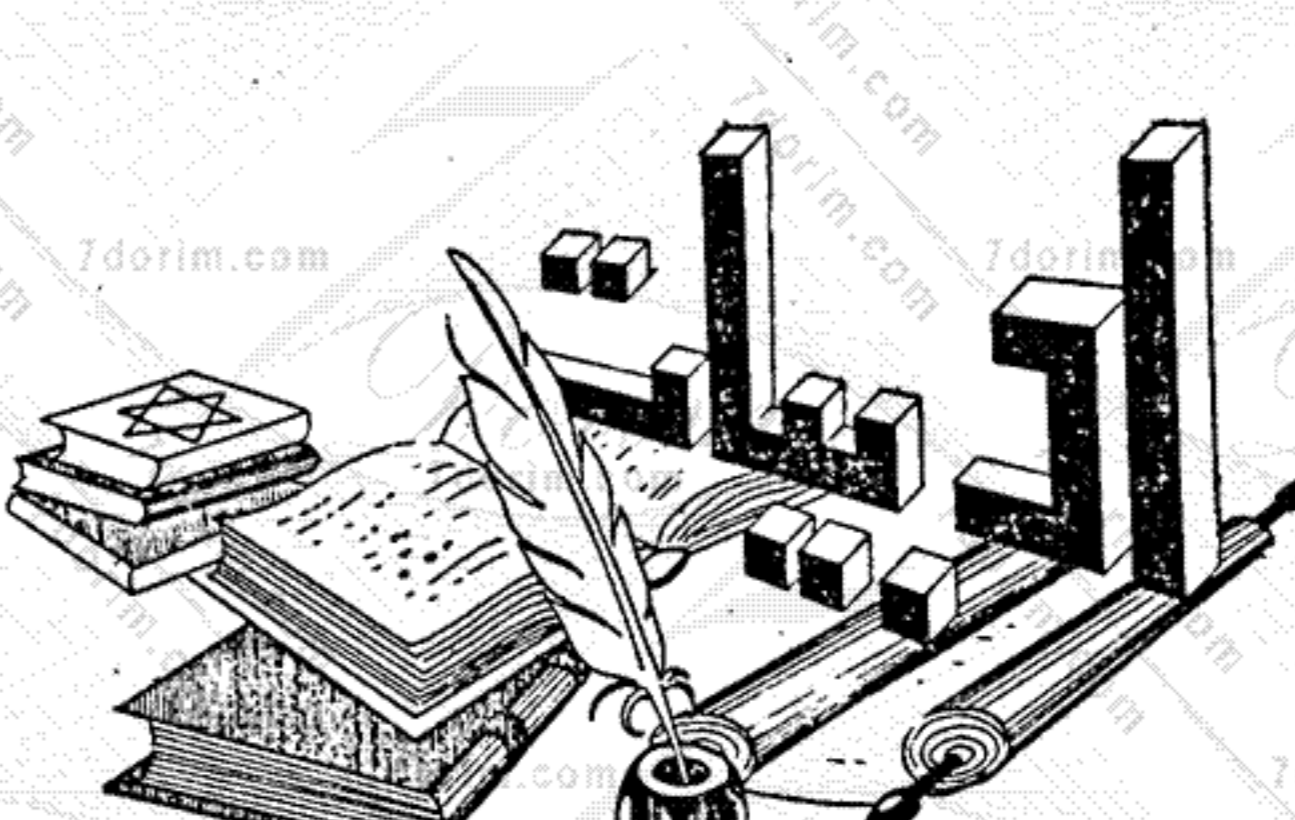
آیا پس از این سختی و مذلت عاقبتم بکجا خواهد کشید؟ بجاییکه بجز یک مشت خاک کستری که هیچ چیزی ارزش ندارد. فرستنده - نصرت لاوی

**خوب - ارزان - قشنگ**

آرایشگاه نایس (کالی سابق) لاله زار پاساژ بهار بهترین آرایش برای برادران و بانوان گرامی با ارزاترین قیمت فرش ماهه ۵۰۰ ریال تحت نظر بانوی متخصص انجام داده میشود

**تصنیفهای جدید**

تصنیفهای جدید و فکاهی اثر آقای حکایان از طرف هیئت هنریشکان صیون بهای پنج ریال منتشر شد از فروشندگان عالم یهود خریداری فرمائید و بفروشدگان صدی بیست تخفیف داده میشود. متمنی است برای اشخاصیکه قبلا فرستاده شده وجه آنرا به نشانی تهران - چهارراه یوسف آباد - چاپخانه بوستانی ارسال دارند.



سینه زمین بتک آمد رازنهان خود را آشکار نمود من تخم ناچیز در دل خاک نهفته بودم ابر ترشروی گریست و آفتاب شیرین کار خندید قطرات اشک آن ویرتوی از نسیم این بر نهادم چکید

من از فرط شادی در پوست خود نکنجیدم قشرا شکافته دمیدم نخست سیزه کوچکی بودم سپس غنچه ای شدم نو شکفته و خندان بودم در عین حال شبنم را بر رخسارم ریخته که اینست حال روزگار گاهی تبسم و زمانی زاری چگونه میتوانم شرح زندگانی با عظمت و دوره جوانی و اکنون دوری از آن و روح اندوهگین خود را که دیرگاهی است دیدار آنرا وداع گفته بر زبان رانم!

زمانی جوان بودم زینت بخش چمنزارها و در بهترین جاهامسکن داشتم و بسی اوقات در ظلمت عیق شبانگهی بدین گنبد اسرار آمیز لاجوردین که آسمانش می نامند نظر دوخته و تا بامدادان چهره زیبای اختران شب را که گردش پایان ناپذیر خود را بر روی ساکنین این زمین سالخورده لیخنند میزدند و آن دوشیزگانی که بتماشای من آمده از تخته سنگهای عظیم به پائین میچستند و آندهان کف آلود خود را با صدائی چون غرش صاعقه به رسو متوجه میشدند.

**زین**

**آنچه در اینجا گفته میشود از افکار بزرگان تراوش نموده**

سوایف - در میان زنان هرگز مهر و محبت وجود ندارد، هر چه هست رقابت است.

شکسیر - چیزی که زن دارد و قلب مرا تسخیر میکند مهربانی اوست، نه روی زیبایش من زنی را دوست میدارم که مهربانتر باشد.

نیچه - زن خطرناکترین بازیچه ها است

شکسیر - زن آنست که میخواهم دار و ندار خود را بزیر پایش تارکنم.

مارگارت فولر اوسولی - زن برای عشق آفریده شده است و ممکن نیست او را از جستجوی عشق بازداشت لاروشفولکد - عشق داشتن کمترین خطائی است که بزین عاشق میتوان نسبت داد.

دوپریکلین - زینکه هیچ حرف نزن بهترین زن نیست مادموازل لسینیاس - زنها باید بتوانند بنویسند و بخوانند ولی هیچگاه نباید عالم شوند.

نولاین - زن یک راز دلربائی است که در پیچه آن باز است

هر خسته و فرسوده ای بزیر سایه من پناه آورده استراحت میکردند و تمنی می گرفتند. همه ساله نیمی از مایحتاج آنها را فراهم میساختم از من سودها بردند اکنون که دست طبیعت و جفای زمانه مرا بوادی پست انداخته. روزهای شادی و جوانی سیری شده در یک گوشه از زمین خشک و بی حاصلی افتاده ام که زمزمه جویبارها در دست و بلندبهای سنگهای مرمر ظنین انداز است نه آن خرمی و شکوهی که دیگران بتماشای من می آمدند وجود دارد و نه آن چادر نیکون که بر اندامم میتافت مشاهده میکنم نه آن آواز بلبلان بهاری که آنها را آغوش میکردم و تنه سرائی میکردم

**آنگهی**

نظریاتیکه اخیراً نامه های زیادی درباره خیلی از مسائل شرعی که حل و فصل آن بعهده محاضر رسمی است بانجمن روحانی واصل شده که خارج از حدود مرام این انجمن است لذا با اطلاع عموم برادران میرسانه که از مراجعه این قبیل امور خودداری فرمائید که بلا اقدام خواهد ماند زیرا مرام این انجمن فقط اثبات دیانت و بحث در مسائل روحانی و اخلاقی است از طرف انجمن روحانی تهران س. حیم ۱-۲

**تیزکن از تیزتر**

طرح کتبه هشتک بن حثیم

آقای هوشنگ بن حثیم، از خوانندگان با ذوق عالم یهود: شکل مقابل را ترسیم نموده و برای ما ارسال داشته اند که بسابقه بکناریم.

اینک از خوانندگان دعوت مینمائیم که در این مسابقه شرکت کرده واصل شعر را برای ما ارسال دارند. البته ماهم بدو نفر از برندگان بحکم قرعه ۲۰ قسمت عالم یهود جایزه خواهیم داد مشروط بر اینکه همراه پاسخها یکریال تبریست باشد.

# بلوغ و انتخاب همسر

بقیه از صفحه ۶۱۳

## پیروزی یهودیان

## بلوغ و انتخاب همسر

کنند گوشزد نموده تا آن‌ها هم باطراف انتشار دهند و این عمل که امروزیکی از موجبات بدبختی و بیچارگی دوشیزگان عقیق و پاکدامن‌ها شده موجب آرزو و حرص جوانان راهم در مورد اختیار نامزد فراهم نموده و چه بسی دوشیزگان از هر حیث لایقی که در خانواده های فقیر وجود داشته که چون والدین آن‌ها توانایی و استطاعت بذل جهازیه زیادی بآن‌ها ندارند در خانه پدرمانده و برعکس اشخاص متمول بزور پول و ثروت دختران خود را به قالب میزنند و اینجهام باز قوه پول و ثروت حتی زیبایی و پاکدامنی را قهراً پایمال و از بین میبرد - ولی پرواضح است که اگر اختیار نامزد فقط از لحاظ کثرت جهازیه و اموال بوده و فقط جنبه مالی داشته باشد دیر یازود اساسش از هم باشیده و آن محبت مصنوعی مولود ثروت هم از دل زدوده و محو میشود.

چه اگر زناشویی عاری از عشق و محبت و یک دوستی خلل ناپذیر باشد سرانجامش بجدائی و تلخ کامی کشیده و دوران وصلت که هر لحظه آن باید باشادی و عشق و علاقه توأم باشد با سخت ترین مصیبت ها و کدورت‌های خاطر پاپان یافته یاد گاری برای انسان بجز صحنه های پر از حزن و اندوه و تأثر باقی نخواهد ماند - چون تجارب روزگار ثابت نموده است که مال و ثروت با اندکی بحران و جزئی پیش آمدی از بین رفته ولی هیچ عاملی نمی تواند وقادرنیست که محبت و علاقه و احساسات پاک یک جفت همسری را که بهم دلبستگی و علاقه شدید دارند مقطوع و منهدم سازد مگر مرگ.

از این لحاظ است که بجوانان گوشزد میکنم تا کسی را دوست نداشته باشند و مورد علاقه و محبت آنها نباشد بهیچ عنوان زیر بار وصلت آنها نروند و هیچگاه چشم بمال و ثروت موروثی آنها ندورند چه مال همانطوریکه در بالا متذکر شدم ممکن است از دست خارج شده و اگر محبتی در بین نباشد آنوقت است که کار بمشاجره و جدال میکشد و اگر بنا بر فرض باز میلیونها تومان جای آنها بگیرد ممکن نیست تولید عشق و محبت کند چرا که پول و ثروت مولد محبت و دوستی نیست و فقط مرتفع کننده احتیاجات مادی بشر میباشد.

جوانان ما اگر میخواهید در دوره کوتاه زندگی پیوسته عروس موفقیت را در آغوش گیرید و زندگانی زناشویی شما سراسر خوشی و سعادت باشد و از موهبت های الهی برخوردار شوید مطالب زیر را زیر نظر داشته باشید:

اول - زمانی تن بزناشویی در دهید و این مسئولیت را عهده گیرید که کاملاً اعتماد بنفس داشته باشید که حقیقتاً شما یک جوان بالاستقامت موبرداری بوده و میتوانید در مقابل پیش آمد ها و ناملایمات طبیعت ایستادگی و استقامت نموده و در تمام احوال خو سرد و ساعی باشید.

دوم - داشتن یک شغل امر بسیار بدیهی است ولی حتماً لازم نیست ثروت زیادی داشته باشید چه بسا جوانانیکه از هر حیث مستعد بزناشویی بوده ولی بعلت نداشتن ثروت زیاد مدتها

هیئت تحریریه عالم بهبود اجازه دهید بوسیله نشریه شما قدری با جوانان و دوشیزگانی که هنوز در مرحله ازدواج قدم نگذاشته و یا اینکه بعداً میخواهند مسئولیت خانواده ایرا متحمل شوند صحبت نمایم و از شما خواهش دارم که در شماره های بعدی این نشریه عقاید و نظریات خود و خوانندگان محترمی که در این خصوص تجربه اندوخته دارند برای روشن نمودن افکار توده جوان و راهنمایی آنها برشته تحریر در آورده و بیش از پیش در این خصوص قلم فرسائی نمایند.

اگر نسبت بجوانان جسارتی نکرده باشم اغلب آنها موقع انتخاب همسر که شریک عمر و زندگی آنها محسوب میشود بهیچوجه نظریه مثبتی نداشته و هنوز هم تابع اراده پدر و مادر بوده و خواهی نخواهی اوامر آنها را بیرونی نموده و بدون آنکه از خود عشق و علاقه بدوشیزه ای داشته و تمایل حقیقی خود را با او ابراز دارند فقط بخواهش والدین تن بدین مسئولیت بسیار سنگین در میدهند و بدون آنکه عواقب آنرا دانسته و یا مسئولیت خود را در این کار تشخیص دهند و لازمه یک مرد بنام معنی رادارک نموده و بداندند که شوهر بودن یعنی چه و وصلت چه معنایی میدهد و تحصیل نان و اداره یک خانواده و تربیت آنها چیست این مسئولیت را قبول و نادانسته بعهده میگیرند.

اغلب والدین و بیشتر مادر ها چون مشاهده میکنند که فرزند آنها بعد بلوغ رسیده و ریش و سبیلی در صورتش نمایان شده دیگر در پوست خود نمیکنند و بدون مراعات نکات و جهات بسیار مهم زناشویی بفرزند جوان و بوالهوس خود توصیه مینمایند که جان مادر تو که اکنون بعد کافی رشد نموده و سال و سنی داری و کم و بیش میتوانی لقمه نانی که تکافوی خود و همسرت را بدهد تهیه نمایی یا تا فلان دختر را برای خواستگاری نمایم او را امروز فلان جا ملاقات نمودم و همچنین اطلاع دارم که والدین او حاضرند بهر که او را بگیرد مقدار هنگفتی جهازیه داده و او را ثروت مند نمایند پس چه بهتر که او را بنامزدی خودت اختیار کنی -

گرچه جوان ممکن است در وهله اول باین کار راضی نشود و یادختر مورد بسند مادر مورد علاقه و محبت او نباشد ولی بالاخره باصرار و پافشاری والدین و صرف باینکه بدری متمول داشته و میتواند جهازیه خوبی برای دخترش تهیه نماید موافقت خود را ابراز و تشریفات نامزدی اجرا شده و همان در جلسه اول است که صحبت از مقدار جهازیه و کم و زیادی ثروت مورد بحث قرار گرفته و دلالی بازی کاملی حکم فرما میباشد.

این راهم نباید از نظر دور نمایم که در جامعه کنونی دوشیزگان در معرض خرید و فروش قرار گرفته و شاید در بعضی موارد لیاقت و حیثیت آنها از روی ثروت خانوادگی سنجیده میشود چون در محیط کنونی بدبختانه ثروت و پول هر خصلتی را پایمال و منکوب خود نموده و بر هر چیزی حکم فرماست و اینجاست که اغلب والدین نادان و بی خبر از هر چیزی چون احساس میکنند که دخترشان بعد بلوغ رسیده شروع بفعالیت هائی نموده و از هر سو سراغ جوانانی میشتابند و دلالهائی بدین منظور باطراف روانه و بآن‌ها هزارها تومان جهازیه ایرا که میخواهند بدخترشان واگذار

از پایتخت هم میتوان گفت از حیث وسعت و جمعیت جلو افتاده و یکی از مراکز مهم بازرگانی خاور میانه بشمار میرود که هم بندر هوایی و هم لنگرگاه کشتی دارد ۰۰۰۰ بطوریکه آمار موجود نشان میدهد تل آویو دارای ۱۷۰۰۰ جمعیت است در صورتیکه اورشلیم پیش از ۱۲۵۰۰۰ جمعیت ندارد داستان تل آویو واقعاً شنیدنی است ۰۰۰۰ سی و هشت سال قبل یعنی در ۱۹۰۸ ر ژوئیه ۶۰ خانوار اسرائیل یافا تصمیم گرفتند که از خودشان بنگاه کوچکی برای کشاورزی داشته باشند و چون در یافا جای مناسبی برای این منظور وجود نداشت و کرایه هم خیلی گران بود و نیز مایل بودند که زندگی خود را ببل خود اداره نمایند و تا آنجا که ممکن است در نزدیکی یافا باشند باینجهت بسوی شن زار ساحلی طرف شمال شهر رفته و آنجا شش خانه مختصر کوچک آباد نموده و نامش را (تل آویو) یعنی (تپه بهاری) نام گذاردند.

در اوایل جنگ بین الللی اول یعنی در سال ۱۹۱۴ تعداد ۱۴۰ خانه و ۱۴۱۶ نفر سکنه داشت طولی نکشید که از طرف دولت در خانه‌ها رابسته و اهالی را مجبور بخلیه آن قطعه نمودند و فقط در پایان ۱۹۱۸ که مخاصمات پایان رسید مجدداً بایشان اجازه داده شد که زندگی خود را از سر گیرند.

امروزه (تل آویو) شهر خیلی وسیعی است دارای عمارات عمومی عالی و مغازه ها و رستورانها و سینماها و تئاترها و کنیسا ها و مدارس و کالجها و انبارها و تمام وسائل و تجهیزات زندگی مدرن از قبیل ایستگاه راه آهن - کارخانه برق و شهر بانی و شهرداری که انجمن آن بوسیله آراء عمومی انتخاب میشود ۰۰۰۰ نه تنها از حیث شهریت زیاست بلکه اهمیت تجارتنی و کشتیرانی فراوانی دارد و نیز پیش از هشتصد نوع صنعت مختلفه در آن یافت میگردد از اینها گذشته کانون مهمی از فرهنگ و بهداشتی و تفریحات و غیره میباشد.

اگر کسی از میان خیابانها و میدانهای عمومی آن گذر نماید سرعت منتقل میشود که (تل آویو) یک شهر عادی نبوده بلکه دارای یک شخصیت مخصوص بخود میباشد تمام تابلو های جلو مغازه ها و علامت و اعلانات و غیره همه بزبان عبری است و در کلیه اطراف عبری صحبت میکنند - لباس و رفتار و رسوم این شهر همه دلیل بر اسرائیل بودن اهالی آنجاست و همه ملیت و مذهب خود را با کمال افتخار اعلام میکنند البته تعجب خواهید کرد اگر بگویم که بر اثر اغتشاشات اعراب بود که تل آویو یک شهر صنعتی شد ۰۰۰۰۰۰ تا سال ۱۹۲۱

این قطعه فقط محل اقامت سه چهار هزار نفر از اشخاصی بود که از وضعیت خود در یافا ناراضی بوده و بداندنجا منتقل شده بودند ولی در آن سال اغتشاشات ضد یهودی در یافا آغاز گردید که در نتیجه آن عده کثیری از دکاندارها و تجار اسرائیل آنجا به تل آویو آمدند و مؤسسات تجارتنی دایر نمودند و باین ترتیب آن حومه ساکت و بی سر و صدا مبدل بمحل داد و ستد و تفریحاتی شد و بزودی از خود دارای حکومتی گردید که اجازه داشت شهر بانی و نیروی پلیس دایر نماید ۰۰۰۰۰۰ انجمن شهرداری پس از اندکی بوجود آمد و بعضی اینکه سرکار آمد فوراً مبلغ هنگفتی از اسرائیل های امریکا وام گرفت و این نخستین وام ملت اسرائیل فلسطین محسوب میشود.

در سال ۱۹۳۱ مردم تل آویو ۴۶۰۰۰ نفر بودند طولی نکشید که هیتلر زمامدار آلمان شد و هزاران نفر از اسرائیلها آلمان و اروپا را ترك و بسوی فلسطین هجوم آورده و در تل آویو جا گرفتند و با خود انواع و اقسام کارخانجات از قبیل خرازی - کس بافی - لباسهای دوخته - ابریشم

بقیه از صفحه مقابل و بلکه سالها خواب و خوراک را بر خود حرام و بمنظور گرد آوردن مال از تمام خوشیها و لذات دنیا چشم پوشیده و هم - چنین ازدواج را بتأخیر انداخته و وقتی چشم میکشاند که دوران جوانی آنها سپری شده و هیچ یادگار خوشی از فصول جوانی نصیبشان نشده است.

از این لحاظ بشما توصیه میشود که در مورد زنا شویی حتماً لازم نیست دارای مکنک و ثروت و افری باشید آقدر که شادارای عزم و اراده قوی بوده و معنی حقیقی زناشویی را بفهمید و بتوانید احتیاجات روزانه خود را از حیث مادیات تأمین نمایید کافی است.

سوم - همانطوریکه شما نیابستی همسر خود را برای مال و ثروت انتخاب نمایید همانطور هم فوراً نیابستی فریفته صورت ظاهری دوشیزگان شوید پس سعی کنید که از نزدیک او را بشناسید و در دوران نامزدی اخلاق خود را باوی تطبیق و بگذارید او هم از عادات و روحیات و اخلاق شما آگاه شده و خوب شمارا بشناسد. اما موضوع بسیار مهمی که لازم است بوالدین گوشزد نمایم اینستکه هیچگاه آنها نباید حاضر شوند که دختران خود را مانند کالائی برای فروش بجامعه عرضه نموده و در مورد آنها بی قید باشند.

بلکه حتی المقدور در تعلیم و تربیت آنها کوشا بوده و احترامیکه زاید بر احترام پسران خود باشد برای آنها قائل شوند و در مورد انتخاب شوهر چون دوشیزگان ممکن است زود فریفته شده و دستخوش احساسات واقع شوند کمال مواظبت و مراقبت را باید در این امر اجراء داشت و خوب باید توجه نمود و از نزدیک شوهر آتیه آنها را شناخت.

بدیهی است اگر جوانان در مورد انتخاب همسر مراعات نکات بالا را نموده و هیچگاه در امر زناشویی که مهمترین فصول زندگی است عجول نباشند و در بعضی موارد از تجربیات والدین خود استفاده نمایند اطمینان داشته باشند که میتوانند در آتیه خوش و سعادت مند بوده و روزگاری را با طیب خاطر بسر برند لازم است بانوان باتجربه برای راهنمایی دوشیزگان از بذل تجارب و عقاید خویش در امور اجتماعی خودداری نفرمایند.

« ه ب »

### همه میدانیم

شماره های روزنامه اسرائیل هر يك بهتر از دیگری است - شماره ششم را در اولین فرصت تهیه و مطالعه فرمائید زیرا مطابق معمول زود نایاب میشود «اسرائیل»

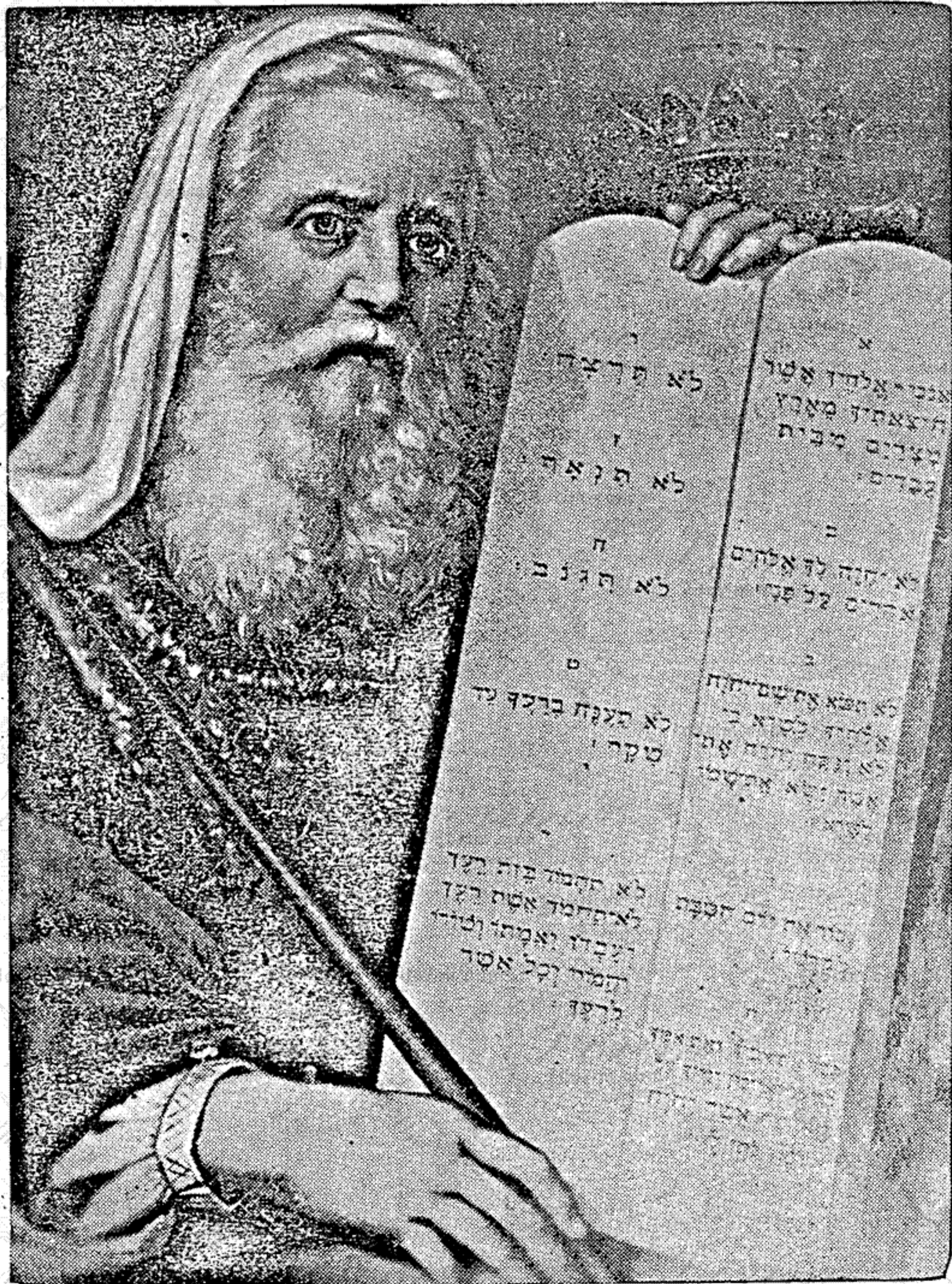
پارچه های بیه ای و بشمی - اجناس چرمی و کفش و چکمه - دندان مصنوعی - دستگاههای رادیو - اشیاء مهندسی - شیرینی سازی - سیکارت و محصولات دوائی و غیره همراه آورند که نه تنها برای مصرف شخصی خودشان باشد بلکه احتیاجات کشور های عربی مجاور را هم تأمین نماید.

شش ماه بعد بر اثر اغتشاشات اعراب باز هم بندر یافا بروی اسرائیلها بسته شد و تل آویو اجباراً اقدام بتأسیس اسکله و بندر نمود و دولت هم در آنجا شعبه ای از گمرکات خود را برپا کرد.



# عالم یهود

## عالم یهود



تبریکات صمیمانه خود

را بمناسبت حلول عید

سعید «شاپور هوت»

که یکی از اعیاد بزرگ

یهودیان است

بعموم اسرائیلا،

خصوصاً خوانندگان

گرامی تقدیم میداریم

«عالم یهود»

تسال حضرت موسی (ع)

با لوحه ده احکام

فصل اول

فصل دوم

### خانه فروشی

يك باب خانه واقع - در خیابان قوام السلطنه به مساحت تقریباً چهار صد متر مربع دارای دودستگاه ساختمان قدیم و جدید - سه طبقه - هر طبقه با تمام لوازمات - لوله کفی آب و برق دارای تلمبه برقی - ۱۵ اطاق و زیرزمین فروخته و یا با خانه و زمین کوچکتری معاوضه میشود .  
طالبین به چهارراه یوسف آباد چاپخانه بوستانی رجوع فرمایند .

خوبی و کنار بیاندازند زهی بدبختی من هم باید با شاعر شیرین زبان نظامی عروضی همصدا گشته و بگویم :  
در دلیم آید که گنه کرده ام

چون ورقی چند سیه کرده ام  
برعکس من متوقع هستم هر وقت خوانندگان گرامی پیشنهادی بنظرشان پسندیده آمد اگر در صد عملی کردن آن بر نمی آید اقلاً بگویند ما با تو هم عقیده هستیم و هر وقت پیشنهادی بنظرشان غلط و غیر قابل اجرا بود تذکر بدهند و بگویند این مطابق عقیده ما نیست مثلاً وقتی من پیشنهاد کردم که باید انجمن گایه یان صورت جلسه خود را بجمع جامعه برساند همه گفتند به به واقماً چه پیشنهاد خوب و بجائی است اما تاحالا که بیشتر از و ماه میگذرد و هنوز انجمن جوابی نداده و نشنیده گرفته هیچکس صدایش در نیامد که بگوید بابا چرا جواب فضولباشی را ندادید . ما هم بایشهاد او موافقیم و میل داریم بدانیم شماها چه خدماتی برای ما انجام میدید تا لاقلاً از تان قدر دانی کنیم

چون مطلب طولانی شد بقیه را به بعد موکول میکنیم - تا هفته آتی خدا نگهدار شما

فصل اول  
فصل دوم

فصل سوم  
فصل چهارم

فصل پنجم  
فصل ششم

فصل هفتم  
فصل هشتم

فصل نهم  
فصل دهم

فصل یازدهم  
فصل بیستم

فصل بیست و یکم  
فصل بیست و دوم

فصل بیست و سوم  
فصل بیست و چهارم

فصل بیست و پنجم  
فصل بیست و ششم

### جواب نومه آقای ع . لوائی

دوست عزیزم آقای ع . لوائی کاغذ شما تحت عنوان (فضولی بجا) رسید . قبل از هر چیز اجازه میخواهم بحضورت عرض کنم که دیر آمدی و زود میخواهی بری داداش جون : من الان پنجاه سال است فضولم و همه دنیا هم میدانند که نظر خصوصی با هیچکس ندارم تازه هنوز جرأت نمیکنم از فضولی بیجا یامو جلوتر بذارم تو تازه از راه رسیدی و قلمو دست گرفتی شروع کردی بفضولی اونهم فضولی بجا الحق کلی بگوشه جمالت که رودست ما هم زدی .

باضافه اظهار تأسف کرده ای که ناچاری مرا بنام فضولباشی بنامی آخه فرزند عزیزم اینکه تأسفی نداره بنظر من خیلی هم جای شادمانی است .  
درست دقت کن من بنام اصلیم دارای شخصیتی هستم البته با بعضی اشخاص دوستم

و ممکن است ایزدهای هم نفرت داشته باشم ولی یقین بدان وقتی قلم در دست میگیرم و شروع بنوشتن میکنم شخصیت خود را بالکل فراموش نموده و با هیچکس حب و بغض ندارم و اگر از کسی یا چیزی تعریف یا تکذیب کنم مصالح شخصی و خصوصی درش دخالت نداره اینه که وقتی توی کتاب عالم یهود با شاها حرف میزنم اون آدمی که عقبش میگردی نیستم بلکه همون فضولباشی هستم .

باری بچون عزیز خودت وقتی نومه ترا دیدم از خوشحالی توی پوست نمیگنجیدم .  
بیا به وقت هوا ورت نداره خیال بکنی از بس خوب نوشته بودی نه ! برای اینکه میگن تو شهر کور ها يك چشمی بادشاه است .

اول گوش کن تا برات يك قصه بگم بلیکه مطلب واضح تر بشه . در زمون قدیم توی يك شهری تنبل خونهای بود که از طرف بلدی تبلیها را در آنمکان جمع نموده و پذیرائی میکردند در یکی از این شهرها روزی پیرمردی جهان ندیده خدمت رئیس بلدی رفت و عرض کرد قربان حاتم بخشی شبااعت شده که این عده بنام تنبل دست از کار و زندگی خود بکشند و سر بار جامعه باشند اگر شما مخارج آنها را ندهید حتماً خودشان دنبال کار خواهند رفت و معاش خویش را تأمین میکنند .

رئیس بلدی فرمود اینطور نیست اینها تنبل هستند و اگر ما مخارج آنها را ندهیم حتماً خواهند مرد پیر مرد گفت کاری ندارد امتحان میکنیم دستور بفرمائید آنها را ببرند توی يك خزینه حمام بنشانند بعد شروع کنند بگرم کردن آب اگر آب گرم شد و آنها از خزینه بیرون نیامدند معلوم میشود که اگر شما مخارج آنها را ندهید خواهند مرد و اگر برعکس از توی آب داغ بیرون آمدند معلوم میشود که بیجهت سربار همشهریهای خود هستند .

همین کار را کردند آهسته آهسته که آب گرم شد تنبلیها شروع کردند به بیرون آمدن تا اینکه آب نزدیک به جوش آمدن رسید فقط دو نفر توی خزینه باقی مانده بودند و تکان نمیخوردند . ناگهان یکی از آنها فریاد زد آهای سوختم . دیگری که حتی حس حرف زدن هم نداشت آهسته گفت دوست عزیزم بگو که رفیقم داره میسوزه .

حالا برادر عزیزم اجتماع ما هم تقریباً همینطور است همه طالب اصلاحات هستیم . همه میدانیم که تشکیلات مرتب و منظمی لازم داریم همه معتقدیم که ب صندوق ملی آبرومندی احتیاج داریم و ووووو لکن بغیر از عده معدودی هیچکدام حاضر نیستیم اقدامی بکنیم همه منتظریم که دیگری بکند و ما هم استفاده کنیم حتی عده زیادی اصلاً حاضر نیستند که بگویند چه میخواهیم هی این دست و آن دست میکنند و منتظرند دیگران بگویند . خوشحالی من از این است که اقلاً تو یکی پیدا شدی یکی آقای فضولباشی من هم در این مورد باتو هم عقیده هستم لکن فلان نکته را هنوز توجه نکرده ای . اگر بنا باشد که من مرتب بنویسم و مردم بخوانند و بگویند به به چه پیشنهاد

۶۲۴ -